توانا بود هر که دانا بود

آهنگ‌های محلی

دفتر اول

ترانه‌های ساحل دریای مازندران

اسفند ۱۳۲۳

بهاء در تمام کشور سی ریال

از انتشارات ادارهٔ موسیقی

چاپخانه مجلس

فهرست

توانا بود هر که دانا بود

آهنگ های محلی

دفتر اول

ترانه های ساحل دریای مازندران

دیماه ۱۳۲۳

از انتشارات ادارهٔ موسیقی

چاپخانهٔ مجلس

موضوع

۳/۶۴

توضیح

آهنگ های محلّی هر ملّتی بهترین نمونه ای از تطّور روحی اوست . جمع آوری آنها خدمت بزرگی بتاریخ روحیات و زبان و موسیقی آن ملّت میکند. غور در آنها پیشرفت تمدن و ارتباط ملل را روشن‌میسازد . این کار مخصوصاً درقرن بیستم علمای تاریخ و زبان‌را شیفتهٔ خود کرده و همّت بسزا و مخارج هنگفتی برای این منظور مصروف میدارند .

ادارهٔ موسیقی از ده سال پیش بوسیلهٔ هنر آموزان سرود شهرستانها اقدام به جمع آوری آنها نمود ولی اهمیّت این موضوع کاملاً درك نشد . باین جهت در دو سال اخیر باروش بهتری باز بکار پرداخت واینك دفتر اول‌که دارای مقداری از آهنگ‌های محلی سواحل دریای مازندران (گرگان ــ مازندران ــ تنکابن ــ گیلان) است توسط وزارت فرهنگ بچاپ میرسد .

آقای لطف‌الله مبشری درجمع آوری آنها کوشش وذوق بخرج داده و **آقای روح الله خالقی** معاون ادارهٔ موسیقی مقدمه‌ای بر آن نوشته و در تنظیم و تصحیح این ترانه‌ها همّت گماشته اند . این‌جانب در اصالت آهنگ‌ها گمان نزدیك به یقین دارد و چون کشور ما ایران از سه هزار سال پیش مورد هجومهـا واقع شده و معبر طوائف و ملل مختلف بوده و نیز بهتر از هرچیز شعر و موسیقی است کـه خاطرات و یادبود سوانح را نگاهداری میکند احتمال میدهم که ایران از لحاظ آهنگ های محلّی از هر کشور دیگری غنی‌تر باشد .

امیدوار است که وزارت فرهنگ برای دنبال کردن این موضوع تشویق و مساعدتهای بیشتری نماید تاشاید آهنگ‌های محلّی تمام نواحی ایران بتدریج درآتیه جمع آوری شده و در دسترس دوستاران هنر گذارده شود .

رئیس ادارهٔ موسیقی - علینقی وزیری

مقدمه

یکی از منابع ذی‌قیمت موسیقی هر کشور آهنگ‌ها و نغمات و ترانه‌هائیست که در نقاط مختلف آن مملکت خاصه در دهات و قصبات دور از شهر بوسیلهٔ مردم روستائی و ده نشین خوانده میشود وچون این نوع موسیقی کمتر تحت تأثیر افکار مردم شهرنشین واقع شده طبیعی‌تر وبموسیقی حقیقی و اصلی و قدیمی آن کشور بیشتر نزدیك است و جمع آوری آنها علاوه بر اینکه باعث حفظ و نگاهداری و از بین نرفتن آنهاست کمکی‌هم بتحقیق در بارهٔ مختصات موسیقی آن مملکت میکند و کیفیت و چگونگی آنرا معلوم میسازد و از مقایسهٔ آن نغمات با آنچه در شهرها معمول و متداول است بخوبی میتوان بخواص موسیقی آن کشور پی‌برد .

یکی از اوّلین اقداماتی که اروپائیان برای درك وفهم موسیقی مملکتی میکنند جمع آوری این نوع نغمات است و بسیاری از نوازان معروف ، این آهنگ‌ها را موضوع ساختمان قطعات بزرگی که درموسیقی ایجاد کرده قرار داده‌اند ولی درایران تا کنون بواسطهٔ فراهم نبودن وسائل و کمی آشنائی موسیقی دانها بخط موسیقی ، این کار عملی نشده است و اگر بعضی ازموسیقی دانهای اهل تحقیق و تجسس اروپائی چیزی از این آهنگ‌ها را جمع کرده باشند زیاد بنوشته های آنها نمیتوان اطمینان یافت زیرا بواسطهٔ عدم آشنائی بمقامات مخصوصی که در موسیقی ایران است ممکن است در ضمن نت نویسی از بعضی پرده‌ها که در موسیقی مشرق زمین پیدا میشود صرف نظر کرده و یا خواص طبیعی و نکات خاصی را که سبب تمایز موسیقی ماست خوب درك نکرده باشند . بنابرین برای آنها این‌کار درصورتی عملی است که اصل آهنگ‌هارا بادستگاه ضبط صوت گرد آوری نمایند ولی برای ما ایرانیان که بخوبی بمقامات موسیقی خود آشنائی داریم درصورتیکه در نوشتن آنها دقت لازم بشود البته اینکار عملی‌تر و آسان‌تر میباشد . تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تا کنون چیزی از

آهنگ های محلی ایران اگر بوسیلهٔ موسیقی دانهای اروپائی جمع آوری شده باشد بچاپ نرسیده و اگر موسیقی دانی بایران آمده و آهنگی را که بنظر او مطبوع و دلپسند آمده نوشته باشد آنرا موضوع ساختن یك قطعهٔ موسیقی قرار داده و البته بواسطهٔ عملی نبودن اجرای کامل مقامات ایرانی برای آنها (بواسطه دارا بودن فواصلی که از ربع پرده تشکیل میشود) بکلی آنرا بصورت دیگردرآورده است . پس اینکار باید بوسیلهٔ موسیقی‌دانهای ایرانی عملی‌شود که بمختصات موسیقی خود آشنائی کامل دارند .

در چند سال قبل که اداره‌ای در وزارت فرهنگ بنام ادارهٔ موسیقی کشور تأسیس شد بتمام هنرآموزان سرود و موسیقی شهرستانها دستور داده شد که این آهنگ‌هارا جمع آوری کرده و اصل آنهارا بدون تصرف نوشته بتهران بفرستند و در این اداره پرونده‌ای ازین آهنگ‌ها پدید آمد . موقعی که به نگارنده در این اداره خدمتی ارجاع شد بمطالعهٔ این پرونده مشغول گردید وچند نمونه ازین آهنگ‌هارا هم که در مجلهٔ موسیقی چاپ شده بود ملاحظه کرد و بخوبی دریافت که بین معلمین سرود و موسیقی شهرستانها کمتر کسی با دقت لازم این کاررا انجام داده وحتی برخی از آنها ملتفت موضوع نشده بعضی از تصنیف‌ها را نیز که جزء موسیقی شهرهاست موسیقی عامیانه تصوّر کرده و در نوشتن آهنگ‌های محلی نیز دقت لازم را نکرده و منظوری که از این کار در نظر بوده بطوری که باید عملی نشده است . تنها در میان معلّمین موسیقی‌نوشته‌های آقای **لطف‌الله مبشری** که در آن موقع بتهران انتقال یافته بود قابل ملاحظه بود و معلوم شد که این موسیقی‌دان با ذوق علاوه بر اینکه مقصود از جمع آوری آهنگ‌های محلّی را خوب درك کرده در مأموریتی که در کردستان داشته مقداری از آهنگ‌های آنجارا نیز نوشته و در طرز اجرا و نواختن آنها هم دقت کافی بکار برده است . بنابرین از طرف ادارهٔ موسیقی بوزارت فرهنگ پیشنهاد شد که برای جمع آوری این آهنگها نامبرده را مأمور نقاط ساحلی دریای مازندران کنند تا بجمع آوری این ترانه‌ها بپردازد و این شخص پس از دوبار مسافرت باین صفحات مقداری از نغمات معمول گرگان و مازندران و تنکابن و گیلان را نوشت و ضمن گزارشی باداره موسیقی تقدیم داشت .

در اسفند سال ۱۳۲۲ که ادارهٔ موسیقی در نظر گرفت ارکستری برای نواختن موسیقی ملّی ترتیب دهد نگارنده در نظر گرفت نمونه‌ای چند از آهنگ های محلّی را نیز برای این ارکستر تنظیم نماید و پس ازین که چند کنسرت ازین آهنگ‌ها در تالارهای فرهنگی و سالن های عمومی و همچنین بوسیلهٔ رادیو داده شد و این آهنگ ها از طرف شنوندگان حسن قبول پذیرفت و مورد تشویق صاحبان ذوق و علاقمندان بموسیقی قرار گرفت و نتیجهٔ آن در اغلب روزنامه‌های تهران منعکس شد چنین بنظر رسید که ادامهٔ این رویّه کاملاً با ذوق دوستداران موسیقی ایران بستگی کامل دارد و موجب بسط و توسعهٔ موسیقی ایران خواهد شد. بهمین جهت نگارنده در صدد دنبال کردن این طریقه برآمد چنانکه برای کنسرت های آتیه نیز مقداری از آنها را برای ارکستر تنظیم کرده ونوازندگان ایرانی درنواختن آنها نیز کمال علاقه‌را بخرج میدهند ولی چون تنها نواختن آنها آنهم چند ماه یك بار در کنسرتها کافی نبود درصدد برآمد که بکمك آقای لطف‌الله مبشری که آنهارا نوشته وبآهنگ وحالت آنها کاملاً آشنائی داشت آنهارا برای چاپ آماده کند بهمین‌جهت یادداشتهای ایشان را با نظر خودشان بدقت مورد مطالعه قرار داد و آهنگهائی را که گرد آمده بود با دقّت کافی از نو نوشت تا بسبکی که برای همه قابل استفاده باشد در دفترهای متعدد بتدریج برای چاپ حاضر باشد و گزارش اینکار را بنظر استاد ارجمندم آقای **علینقی وزیری** رئیس ادارهٔ موسیقی رسانید و ایشان موضوع را کاملاً قابل توجه تشخیص داده با آقای **دکتر علی فرهمندی** مدیر کل نگارش مطلب را در میان نهادند وقرارشد این اقدام **ادارهٔ موسیقی** بصورت عملی درآید ودفتر اول آهنگهای محلّی ازطرف **وزارت فرهنگ** چاپ شده انتشار یابد. بنابرین دفتر اول‌را که مربوط بآهنگهای ساحل دریای مازندران است هم اکنون در دسترس علاقمندان باین هنر میگذارد و امیدوار است دفتر دوم را بآهنگ های کردی که مقداری از آنها نوشته شده است اختصاص دهد. البته درصورتیکه این اقدام مورد قبول اهل هنر قرار گیرد و موجبات مسافرت بنقاط دیگر ایران برای کسانی که باین کار آشنائی کامل دارند فراهم شود شاید بتوان در آتیه با نوشتن آهنگهای نقاط دیگر بتدریج این کار را تکمیل کرد واین نغمات‌را که بهترین یادگار موسیقی ماست ازدستبرد حوادث زمانه

محفوظ نگاه داشت .

اکنون که سخن باین جا رسید قبل از نوشتن آهنگ‌ها و اشعاری که معمولاً باآنها خوانده میشود بهتر است نکات فنی آنهارا نیز در این مقدمه شرح دهم تا کسانیکه علاقمند بمطالعهٔ آنها هستند با توجه باین نکات بهتر بخواص و چگونگی آنها پی برند بنا برین از دو نظر در آنها بحث میکنم : یکی از لحاظ موسیقی و دیگر از لحاظ شعر و چون بحث از جهت موسیقی بیشتر با فن نگارنده تماس دارد در آن قسمت بتفصیل مینویسد و از جهت شعر بکلیاتی اکتفا میکند و بحث مفصّل این آهنگ ها را از لحاظ شعر بعهدهٔ دانشمندان و شعرا و اهل تحقیق میگذارد که درین زمینه مجال بحث کافی دارند وبتفصیل میتوانند پس از تحقیق دقیق مطالب قابل توجهی برشتهٔ تحریر آورند .

بطور کلی آنچه ازین قبیل آهنگ‌ها تا کنون شنیده‌یا نت آنها را دیده ام آهنگ‌های محلی عبارتست از نغمات کوچکی که با اشعاری بوزن دوبیتی خوانده میشود چنانکه آهنگ‌های این‌دفتر نیز اغلب با شعر توأم است ولی گاهی نیز نغمات دیگری شنیده میشود که با شعر خوانده نمیشود و باسازهای محلّی بوسیلهٔ نوازندگان نواخته میشود . درین دفتر نیز چند نمونه‌ازین آهنگ‌ها نوشته شده‌است وازساختمان آنها پیداست که با شعر توأم نیست و در مجالس بزم یا عروسی با ساز نواخته‌میشود و باآنها یا بطور دسته جمعی و یا انفرادی میرقصند . شك نیست که ازین لحاظ نیز موسیقی‌های محلّی برای کسانی که بفن رقص علاقه و آشنائی داشته باشند شایستهٔ کمال دقت است که رقص این آهنگ ها با چه نوع حرکاتی توأم است و البته اشخاصیکه اهل این هنر باشند باید در موقعی که با این آهنگ ها میرقصند خود حضوراً حرکات را ببینند ووضع حرکات را یادداشت نموده آنرا جداگانه موردبحث قرار دهند بنا براین بحث درین زمینه نیز از وظیفهٔ نگارنده خارج است زیرا کسیکه این آهنگ‌ها را جمع آوری کرده چون‌منظورش جمع آوری نغمات از لحاظ موسیقی بوده درین‌قسمت دقت کافی نکرده و این کار باید بوسیلهٔ متخصص این فن‌صورت بگیرد .

اما از لحاظ موسیقی ، آهنگ های این دفتر را میتوان از چهار نظر مورد

بحث قرار داد :

۱ ـ از لحاظ وزن ـ آهنگ‌های محلی معمولا دارای وزن است گرچه‌دربن دفتر نمونه‌ای از آهنگ‌های بی‌ضرب نیز نوشته شده‌است ولی‌اکثر نغمات محلّی‌ضربی است و وزن آنها ازلحاظ کندی وتندی مختلف است و برای اینکه نوازندگان‌بتوانند این ترانه‌ها را بهمان وزنی که خوانده میشود بنوازند در بـالای هر آهنگ بوسیلهٔ اصطلاحاتی کـه در موسیقی معمول است حرکت هر نغمه با اعداد مترونوم (۱) نشان داده شده کـه برای نـوازنده و خـواننده تقلید حرکت اصلی کـاملاً از لحاظ وزن عملی باشد .

آهنـگ های این دفتر یـا بوزن $\frac{2}{4}$ و یا اکثر بوزن $\frac{6}{8}$ است و اگـر بندرت بعضی از آنها بصورت $\frac{3}{4}$ و یا $\frac{3}{8}$ نوشته شده از لحاظ راحتی نت خوانی بوده است و وگرنه تمام آهنگ های دو وزن اخیر را میتوان بـا حرکت $\frac{6}{8}$ نیز نوشت . آنچه مسلّم است وزن $\frac{6}{8}$ معروف ترین اوزان موسیقی کشور مـاست و چون تمام رقصها و رنگ‌های ایرانی با این حرکت است و حالت نشاط دارد بنا بر این هر کدام از یـن آهنگها راکه کمی از حالت معمولی خود تندتر اجرا کنیم میتوان با آن رقصید . وزن $\frac{2}{4}$ نیز که در بعضی از آنها بکار برده شده وزنی است طبیعی وساده وآسان . بهر حال میتوان گفت که ازلحاظ وزن اکثر این‌نغمات دوضربی‌است زیرا میزان ترکیبی $\frac{6}{8}$ هم ازمیزان ساده $\frac{2}{4}$ گرفته شده است . بنابرین ازجهت وزن باید گفت که آهنگ های محلی با همان اوزانی است کـه بیشتر مطبوع طبع ما ایرانیان است وخواص موسیقی ضربی مارا خوب نشان میدهد و بهترین معرّف موسیقی ـ وزون ایراست .

سکوت‌هائـی کـه اغلب در آغاز جملات هست وبرای نفس کشیدن (در موقع خوانـدن) یا برای نواختن سر ضرب بوسیلهٔ آلات ضربی از قبیل طبل یا تمبك بکار برده میشود نیز مانند موسیقی شهری ماست واین سکوت ها که اغلب در تصنیفها ورنگ هائی که نواسازان ایرانی ترکیب میکنند پیدامیشود کاملا درموسیقی طبیعی و آهنگ های محلی نیز موجود است(۲) ساده‌ترین نمونهٔ این سکوت ها که دراغلب

---

(۱) Metronome

(۲) برای نمونه بمیزانهای ۱و۴و۵و۶و۸و۱۱ آهنگ نرگس غله پانی وبسیاری از آهنگهای این دفتر مراجعه نمائید .

نغمه های محلّی نیز دیده میشود و بامراجعهٔ بآهنگ هائی که دراین دفتر نوشته شده بخاصیت آن آگاه میشوید درمیزان $\frac{6}{8}$ عبارتست ازیك سکوت سیاه یایك سکوت چنگ نقطه دار درسر ضرب .

از لحاظ حرکت هم نمونه‌های مختلفی که درین دفتر نوشته شده ازسنگین‌ترین حرکت مترونوم یعنی (Grave) که هر ضرب آن مساوی ٤۲ میباشد تا حرکت بسیار تند (Presto) که هر ضرب آن مساوی ۱۹۲ است درین دفتر ملاحظه میکنید ولی حرکت اکثر نغمات بحرکت معمولی (Moderato) یا کندتر از آنست .

۳ ـ ساختمان نغمه ها ـ نغمه های محلّی معمولاً دارای فاصله‌های ساده‌ایست که برای خواندن آسان است و کسانی که ورزش موسیقی نکرده‌اند از ضبط و ادای آنها بوسیلهٔ صوت برمیآیند . بنابرین فاصله های دوم بزرگ و کوچك وسوم بزرگ وکوچك وچهارم درست وپنجم درست که برای خواندن ، بسیار ساده و آسان است درین نغمه ها بکار برده شده وچون این فواصل ، دنبال هم خوانده میشود سرائیدن آنها ساده و آسان است . نکتهٔ مهمتر اینکه فاصلهٔ دوم نیم بزرگ که از سه ربع پرده تشکیل میشود و همچنین فاصلهٔ سوم نیم بزرگ که از هفت ربع پرده مرکب است و طبیعی ترین فاصله هائیست که درموسیقی ایرانی بکار برده میشود دراین آهنگها زیاد دیده میشود واصولاً این نغمات ، ازفواصل پیوسته ومتصل که برای ادای صوت راحت‌تراست ترکیب شده واگر فاصلهٔ گسسته یا منفصل در آنها پیدا شود از انواع سوم (بزرگ و کوچك ونیم بزرگ) یا فاصلهٔ چهارم درست وپنجم درست تجاوز نمیکند و تنها در یکی ازین آهنگها که بسیارهم زیباست یك بار فاصلهٔ ششم بزرگ مشاهده میشود(۱) . فاصلهٔ پنجم نیز کمتر دیده میشود و بطور کلی میتوان گفت که این نغمات مانند تمام آهنگ های آسان از سهل ترین فواصل موسیقی ترکیب شده زیرا سازندهٔ آنها کسانی هستند که موسیقی را ازطبیعت آموخته وموسیقی طبیعی البته ازلحاظ سرایش(۲) باید آسان باشد . اتفاقاً موسیقی معمولی امروز ما هم صرف نظر از آهنگ های محلّی بهمین صورت است وآهنگ هائی که در شهرهای ایران بوسیلهٔ تصنیف سازان

---

(۱) در آهنگ «جون‌جون» میان میزان پنجم وششم .

(۲) Solfège

ساخته میشود کاملاً بهمین سبك است و بطور کلی درموسیقی ما فاصله هـای متّصل از فاصله های منفصل زیادتراست حتی درآهنگ هائی هم که برای نواختن روی سازها درست شده و خوانده نمیشود فواصل پیوسته برفاصله های گسسته برتری دارد و علّت اصلی این امر کمی قدرت نوازندگان وطبیعی وساده بودن موسیقی ایرانیست که باصطلاح اروپائی تکنیك(۱)آن کم است .

موضوع دیگر اینکه نغمه های محلی معمولاً زیبا وجذاب و درعین سادگی خوش حالت و دلکش و مطبوع است و در خواندن آنها چیزی که بیش از همه جلب توجه میکند سادگی و زیبائی آنهاست که کاملاً معرّف زندگی بی آلایش و طبیعی مردم روستائیست .

۳ ـ مقام آهنگ ها ـ مقصود از این قسمت بحث ازلحاظ مقامهای (۲) مختلفی است که آهنگ های این دفتر را تشکیل میدهد . دربن قسمت نیز بخوبـی واضح است که این نغمه ها در پرده های مقامات متداول موسیقی ایران یعنی مایهٔ شور (و ملحقات آن از قبیل دشتی وابوعطا وافشاری) وسه گاهست ومایهٔ اصفهان بندرت دیده میشود چنانکه در بین تمام این آهنگ ها فقط نمونهٔ مایه اصفهان را میتوان در آهنگ « آی امان » و « جون جون » پیدا کرد . حتی نسبت مقـام سه گاه نیز بمراتب از مقام شور کمتر است . در میان ملحقات شور نیز تناسب ابوعطا و دشتی و مخصوصاً دشتی بیش از ابوعطا است و افشاری هم نادر است چنانکه نمونهٔ کامل آن را فقط درآهنگ « سفیده مرغمه » میتوان مشاهده کرد .

بطور خلاصه میتوان گفت همانطور که مقام شور و ملحقات آن ازقبیل دشتی و ابوعطا و بیات ترك ساده ترین و بازاری ترین مقامات ایران است نمونهٔ کامل این موضوع را نیز میتوان درآهنگ های محلی ملاحظه کرد و گرنه دربین این آهنگها نمونه ای از بیات ترك دیده نمیشود ولی بعکس آن نمونهٔ شور و مخصوصاً دشتی بسیار است و اغلب ترانه هائی که دردشتی است درخاتمه وارد شور میشود .

نمونهٔ چهارگاه فقط درآهنگ « کیلالی» دیده میشود و دریـن جا نیز چون از حدود دانگ اول تجاوز نمیکند میتوان آنرا در همایون و اصفهان نیز تصور کرد

---

mode (۲)   Technique (۱)

ولی حالت نغمه طوری است که بخوبی حالت چهارگاه را نشان میدهد .

مقام بزرگ که نمونهٔ آن همان مقام ماهور است درمیان این نغمات دیده نمیشود وگرچه یکی دو آهنگ مانند «لاکو» «و لالائی» طوری است که بنظر کسانی که بمقامات ما آشنائی ندارند درمایهٔ سل جلوه میکند ولی آنها که بموسیقی ایرانی آشنائی دارند بخوبی ملتفت میشوند که آهنگ «لاکو» درعشاق است و بدشتی فرود میآید و آهنگ «لالائی» نیز بدشتی بیشتر نزدیك است .

اما از لحاظ تغییر مقام (۱) چون نغمه های محلی معمولاً کوچك است و مجالی برای تغییر مقام ندارد کمتر نمونه‌ای ازاین عمل درآنها دیده میشود وتنها در بین تمام این نغمه‌ها آهنگ « جون جون » فوق‌العاده جلب توجه میکند زیرا ازاصفهان شروع میشود و در خاتمه با طرز بسیار مطبوعی بشور فرود میآید . چون این نمونهٔ تغییر مقام را در ردیف آوازهای ایرانی نیز ندیده‌ام خیلی تعجب کردم و حتی تردید پیدا کردم که این آهنگ ، طبیعی وسازندهٔ آن آوازه خوان یا ساززن محلی باشد ولی آقای مبشری خود متوجه این نکته شده ومخصوصاً اظهار داشتند که در موقع نوشتن هرچه دقت کرده‌اند بهمین طریق خوانده میشده و مطالعهٔ این آهنگ برای آن دسته ازموسیقی دانها که فقط تغییر مقام را منحصر درسبکهای معمولی میدانند بسیارجالب توجه و قابل دقت است . زیرا این نوع تغییر مقام از لحاظ موسیقی اروپائی و علم هم آهنگی (۲) کاملاً طبیعی و مطبوع است . گرچه تغییر مقام از اصفهان بشور در موسیقی ایرانی نیز معمول است ولی معمولاً بهنگام بالا میرود درصورتیکه درین جا با «بکار» شدن نت‌سل درحالت پائین‌آمدن بمقام شور وارد میشویم و در سبك موسیقی معمول این نوع تغییر مقام فوقانی است در صورتیکه درین جا تحتانی میباشد و سبك آنهم با روش معمول اختلاف دارد .

۴ - جمله بندی موسیقی - چون اکثر آهنگهای محلی با اشعاردوبیتی خوانده میشود بنابراین ساختمان جمله ازلحاظموسیقی طوری است که باوزن دوبیتی متناسب باشد . معمولاً این آهنگ ها تشکیل میشود از یك نغمهٔ کوچك که در میزان $\frac{6}{8}$ دارای سه میزان و در میزان $\frac{3}{8}$ شامل شش میزان است وگاهی برای اینکه چهار

---

(۱) Modulation
(۲) Harmonie

میزانی (یا هشت میزانی) شود چند کلمه از قبیل جان جان ــ آی امان ــ زهرا جان و غیره دنبال آن خوانده میشود و این نغمهٔ کوچك که از لحاظ شعر عبارت است از يك مصراع و از لحاظ موسیقی يك عضو کوچك جمله نامیده میشود یا چهاربار تکرار میشود یا در دفعه سوم و چهارم تغییر مختصری پیدا میکند. درصورتیکه بوزن دوبیتی نباشد نیز از يك عضو جملهٔ سه چهار میزانی تشکیل میشود که با وزن شعر، متناسب باشد و درین مواقع نیز یا چهار مرتبه تکرار میشود یا در هر دفعه تغییر مختصری پیدا میکند و ازلحاظ اعضای جمله بهر جهت جفت است نه طاق. بطور خلاصه میتوان گفت که ساده ترین طرز ترکیب «ملودی» (۱) در آنها بکار برده شده که فراگرفتن آن بسیار سهل و آسان وطبیعی است.

آهنگ هائی که شعر نداشته باشد نیز از يك نغمهٔ کوچك (تم) (۲) تشکیل میشود وهمان نغمه درپرده های بالا تر مختصر پرورشی پیدا میکند و کمتر اتفاق میافتد که تم اصلی تغییر کند یا اگر تغییر نماید میتوان باز آنرا يك نوع پرورش تم اصلی فرض کرد. با وجود این بعضی از آهنگ ها از دو تم مختلف تشکیل میشود مانند آهنگ «هی‌یار هی‌یار» و «پاچ لیلی» و «کریشیم» و«جونی جونی» و «زبیده» و «نوای‌عروسی» و «ثریا» و «زیباجان» که درآنها دو تم بکار برده شده‌است.

اکنون که تا اندازه ای این آهنگ هارا از لحاظ موسیقی تجزیه کردم بی مناسبت نیست که بطور اختصار از لحاظ شعر نیز خصوصیات آنها را تاآنجا که مطلب بدرازا نکشد شرح دهم.

ا.) از لحاظ شعر ــ گرچه درین دفتر که بیشتر برای موسیقی دانها مفید است ذکر خصوصیات اشعار آهنگهای محلّی که خود بحث جداگانه ایست باعث طول کلام میشود ولی نظر بارتباط کامل شعر وموسیقی درین نغمات، ذکر خصوصیات شعری ترانه ها بی فایده نخواهد بود وبهمین جهت ازلحاظ شعر نیز ازسه جهت میتوان درین باره مطالعه کرد:

۱- وزن‌شعر ــ چنانکه گفته شد آهنگهای محلی غالباً با اشعار دو بیتی که ساده‌ترین نوع شعر فارسی است خوانده میشود. این وزن نیز بدو طریق مختلف که

Thème (۲) Mélodie (۱)

از اختلاف رکن سوم هر مصراع پدید میآید بکار برده شده است .

مفاعیلن مفاعیلن فعولن :   دلی دارم دل دیوانهٔ تو (مربوط بآهنگ   آی زهرا زهرا)

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل :   سفیده مرغمه خوش خط و خوش خال (مربوط بآهنگی بهمین نام)

علاوه بروزن معروف دوبیتی چند وزن عروضی دیگر نیزدر اشعار این دفتر ملاحظه میشود از این قرار :

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن :   دسته دسته چو منه نامزه جان انه (در آهنگ نامزه‌جان)

فاعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن :   لای لای ای گل من   نوگل گلشن من   (درترانهٔلالائی)

مفاعلین مفاعلین مفاعلین مفاعلین :   لا لا لا لا گل لاله   پلنگ در کوچه میناله (در آهنگ لالائی) .

مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن :   کیلالی جانم کیلالی   جو جوله مجانی کیلا ی (در آهنگ کیلالی) .

مفعولن فا   مفعولن فا   صد بار گفتم همچین مکن   (در آهنگ زیبا جان) .

مفعولن مفعولن   مانند   خدا من لیلامه (در آهنگ لیلامه) (۱)

۲ - کلمات اشعار ــ معمولا کلماتی که‌درین اشعار بکار برده شده‌همان‌لغاتیست که در زندگانی روز مرهٔ مردم دهاتی و روستائی بکار برده میشود و نظر باین کــه اغلب آنها در وصف معشوق است کلمات عاشقانه نیز زیاد د'رد . تشبیهاتی هم که در اشعار دیده میشود طبیعی و ساده است از قبیل تشبیه کردن پستان بسیب و یا قوت و شباهت دادن معشوقه به گل و ازین قبیل . در قسمت های ساحلی نیز تأثیر دریــا کاملاً در اشعار نمایان است مانند استعمال کلمات دریا و کرجی و مرغ دریائــی و درنقاط کوهستانی بکار بردن کلمات چشمه و کوه‌و غیره‌ضمناً باید متوجّه بود که بعضی کلمات باید دراشعار تند ادا شود تا با وزن شعر وموسیقی‌متناسب باشد مثلاً کلمهٔاین درآهنگ « نرگس‌غله پانی » بااینکهٔ سیلاب طویل (وتدمجموع) ودارای سه حرف است ، باید مانند یك حرف متحرك (سیلاب کوتاه) تلفظ شود یابعکس بعضی کلمات دیگر بااینکه کوتاهست باید کشیده شود تا با وزن شعر وموسیقی هم آهنگ شود مانند حرفت و ر درآهنگ « لیلامه » که همان معنای کلمات «تو » و «را » رامیدهد

۳ - مضامین اشعار ــ همانطور که کلمات‌اشعار محلّی‌لغات‌سادهٔ‌مربوط بزندگانی عادی است مضامین اشعار نیز ارتباط کامل با وضع زندگانی مردم ده یشین روستائــی

(۱) شعر باید طوری خوانده شود که باوزن عروضی تطبیق کند بنابرین سیلاب اول درکلمهٔ خدا و درکلمهٔ بلند باید کشیده شود .

دارد و اغلب در وصف زیبائی معشوق یا توصیف اندام و حرکات و حالات او یا در وصف کیفیت حرمان عاشق از فراق و دوری یار است. بعضی از اشعار نیز در وصف اوضاع طبیعی ساخته شده مانند تماشای کنار دریا و جریان سیل در رودخانه و خواندن بلبل و امثال آنها.

در پایان این دیباچه این نکته را تذکر میدهد که اغلب آهنگ‌های محلی شعر مخصوصی ندارد وچون اکثر آنهارا میتوان با اشعاری بوزن دوبیتی خواند با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود و هر آهنگی که شعر مخصوصی دارد درضمن توضیحاتی که جداگانه در بارهٔ ترانه‌ها داده شده ملاحظه خواهید کرد. نام این آهنگ‌ها که اغلب ارتباط بکلمه‌ای در شعر دارد برای بعضی از آنها همانطور است که در محل استعمال میشده و نغماتی که نام مخصوصی ندارند برای اینکه متمایز باشند واز یکدیگر تشخیص داده شوند یکی از کلمات اشعار را اسم آنها قرار داد تا از هم تمیز داده شوند. دیگر بیش از این طول کلام را جائز نمیداند و بنوشتن اصل آهنگها میپردازد. چنانکه ملاحظه میکنید در هر صفحه شعر محلی و ترجمهٔ آن بزبان فارسی معمول و همچنین ترجمهٔ لغات غیر مأنوس را نوشته است تا عدم درك مضامین اشعار خواننده را دوچار اشکال نکند و ضمناً برای اینکه بدقت بتوان اشعار اصلی را با آهنگها تطبیق کرد سیلابهای شعر چنانکه معمول است با حروف لاتن نیز در زیر نت‌ها نوشته شد تا موسیقی دانها را کاملا راهنمائی کند. امیدوار است که زحمت گرد آورندهٔ این آهنگ‌ها و تنظیم کنندهٔ این نغمات راکه یکی از منابع موسیقی ماست اهل هنر با تذکر مطالبی که از قلم افتاده تکمیل نمایند تا بتوان در ادامهٔ انتشار این قبیل موضوعات که برای حفظ ونگاهداری موسیقی ملّی ما کمال ضرورت را دارد موفقیتهای بیشتری بدست آورد. تهران - مهرماه ۱۳۲۳

روح‌الله خالقی

تذکر
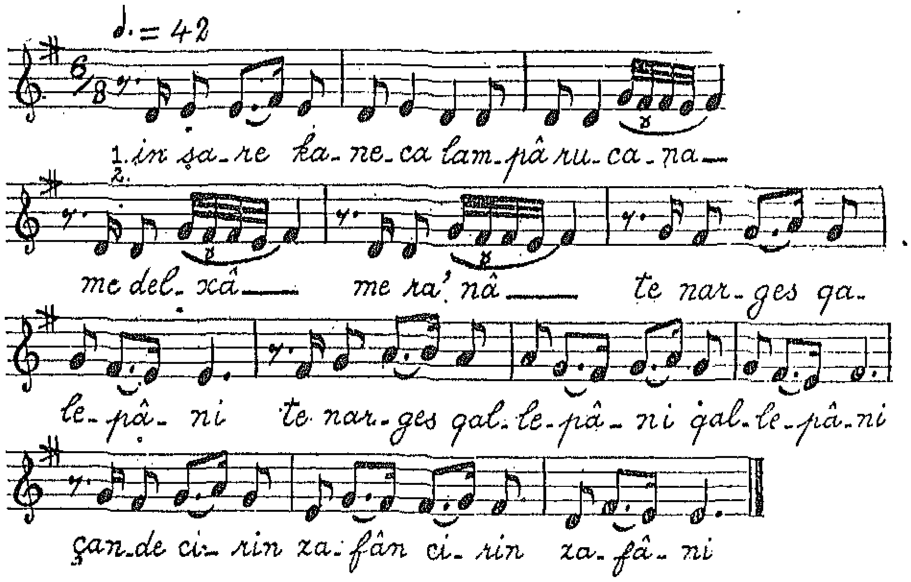
چون خط موسیقی از چپ براست نوشته میشود در قطعاتی که برای خواندن آواز نوشته میشود معمول است که سیلابهای شعر را نیز در زیر نت‌ها بخط لاتن مینویسند و چون خط موسیقی جنبهٔ عمومی و بین المللی دارد و مطالعهٔ این کتاب مخصوصاً از نظر مستشرقین قابل کمال دقت است چنین درنظر گرفته شد که اشعار محلّی نیز در زیر نت‌ها بخطی که بیشتر جنبهٔ عمومی داشته باشد نوشته شود و چون نوشتن اشعار باخط فارسی بخوبی مقصود را نمیرساند همان خط لاتن‌را برای این منظور انتخاب کرد و برای اینکه مجبور نباشیم برای بعضی حروف مانند ش دو حروف CH و برای چ سه حرف TCH را بنویسیم سبکی‌را که برای نوشتن خط فارسی با حروف لاتن از مدتها پیش معمول شده بترتیب زیر درین دفتر انتخاب کردیم :

آ	â	ج	j	ف	f
اَ	a	چ	ç	ک	k
اِ-ع	e	ح-ه	h	گ	g
اُ	o	خ	x	ل	l
او	u	د	d	م	m
ای	i	ذ-ز-ض-ظ	z	ن	n
ب	b	ر	r	و	v
پ	p	ژ	î	ی	y
ت-ط	t	ش	c	اَو (مانند قوم)	ô
ث-س-ص	s	غ-ق	q	ع (ساکن) با ویرگول نشان داده میشود مانند : لعل	la'l

❀❀❀

نرگس غلّه پانی

آهنگی که آنرا در آغاز این دفتر نوشته‌ایم یکی از زیباترین ترانه‌های صفحات گرگان است و در دهات واقع در مشرق شهر گرگان مخصوصاً در رامیان و کتول خوانده میشود . چون در کتول کلمهٔ « غلّه پان » را بکسی که از غلّه حفاظت میکند اطلاق میکنند ممکن است سازندهٔ آهنگ ، این نغمهٔ زیبا را برای معشوقهٔ خود که نامش نرگس وشغلش محافظت غلّه بوده سروده باشد یاچون دهی درنزدیکی علی‌آباد کتول بنام « غلّه پان » هست ممکن است نرگس از اهل آن ده باشد . این آهنگ از مایهٔ « رهاب » شروع و سپس وارد شور میشود .

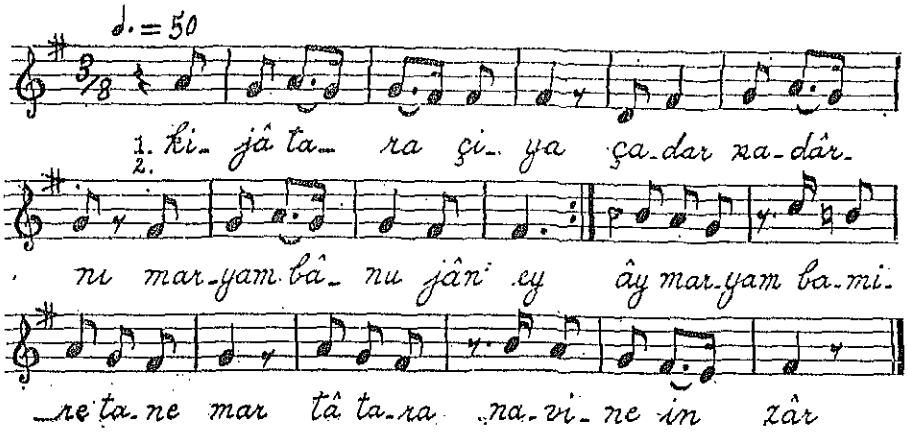


۱ ـ این سَر (۱) کیشه (۲) لَمپا (۳) روشنه	این سرای که چراغ درآن روشن است مال کیست
۲ ـ این کیجا (٤) کیشه کتاب هِشْنه (٥)	این دختر که کتاب میخواند مال کیست
مِ (٦) دلخواه مِ رعنا تِ (۷) نرگس غلّه پانی تِ نرگس غلّه پانی غلّه پانی	دلخواه من-رعنای من-توای نرگس غلّه پان
چندَه (۸) شیرین زَفانِ (۹) شیرین زَفانی	چقدر شیرین زبانی

(۱) سرای (۲) مال کیست (۳) چراغ (٤) دختر (٥) نگاه میکند (٦) من (۷) تو
(۸) چه اندازه (۹) زبان

مریم بانو

این ترانه در دهات بالا جاده و کرد محله و خطیر آباد اطراف گرگان خوانده میشود. «مریم بانو» را اکنون کسی نمیشناسد و این نغمه نسبت بترانه‌های معمولی قدیمی‌تر و از لحاظ موسیقی در مایهٔ سه‌گاه میباشد. نت «سی» که در میزان دوم بعد از «دولاخط» بخلاف معمول سه‌گاه، یك ربع پرده بالا میرود حالت مخصوصی بآن میدهد که از سبك متداول امروز متمایز است.

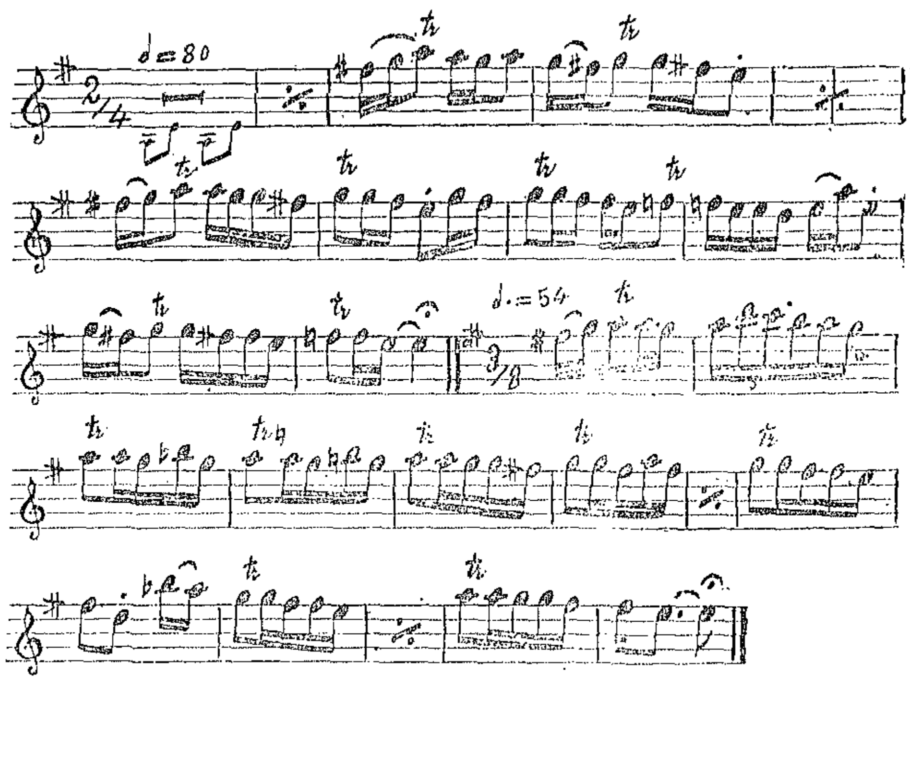


۱ ـ کیجـا ترَ (۱) چِیه (۲) چادَرْ نداری (۳) مریم بانو جانْ ای	دختر ترا چه‌شده‌است که چادر نداری
۲ ـ سَمندِ سواریْ مِترْ (٤) نداری ـ مریم بانو جانْ ای	مانند اسبِ سواری که مهتر ندارد
آی مریم بمیره تِیه (٥) مارْ (٦)	ای مریم، مادرت بمیرد.
تا ترَ نوینه (۷) اینْ زار	تا ترا باین حال زار نبیند

(۱) ترا (۲) چیست (۳) نداری (٤) مهتر (٥) تو (٦) مادر (۷) نبیند

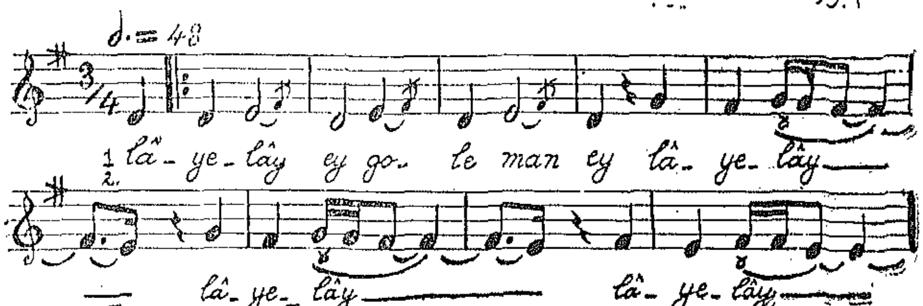
ورساقی
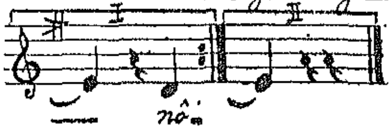
این آهنگ در جشنی که ترکمن‌های همجوار فارسی زبانان گرگان در اسب دوانی میگیرند با کمانچه یا « دوتار » نواخته میشود و فاقد شعر است . در این جشن ها چند نوع ورساقی نواخته میشود که نمونهٔ ذیل بهترین آنهاست . این نغمهٔ جذّاب که دارای وزنی سبك نیز میباشد بسیار زیباست . نت « فا » و « سی » که گاهی يك ربع پرده بالا وپائین میرود حالت مخصوصی باین آهنگ میدهد که بیشتر موجب زیبائی آن میشود . با اینکه این نغمه شباهتی بآواز شور ندارد ولی اصولاً میتوان آنرا در همان مایه تصور کرد که درجهٔ دوم و پنجم گام شور دائماً در تغییر است . این قطعه‌را چنانکه نوشته‌ایم میتوان بدوقسمت تقسیم کرد که قسمت اوّل آن دوضربی و قسمت دوم سه ضربی است .



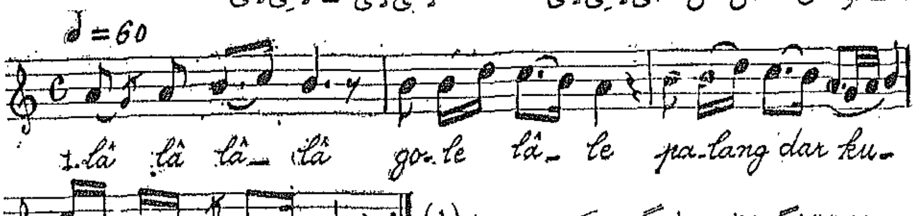
لای لای

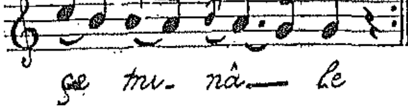
در صفحات شمال ایران لالائی با آهنگ های مختلف معمول است و غالباً با اشعار کوتاه خوانده میشود . دونوع لالائی کـه اوّلی در گرگان و مازندران خوانده میشود و دوّمی فقط در گرگان شنیده شده درینجا نوشته میشود . لالائی شمارهٔ یك از لحاظ موسیقی در مایهٔ شور و ازلحاظ تِمْ (Thème) بی‌شباهت به « نرگس غلّه پانی » نمیباشد . لالائی دوّم‌را که چهار ضربی است از لحاظ مایه میتوان جزءِ دشتی محسوب کرد که مانند فرود معمول دشتی روی نت سوم شور توقف میکنند وبا اینکه آنرا در مایهٔ بزرگ تصور کرد که روی نت های درجهٔ سوم و دوم توقف کرده در روی تونیك گام بزرگ خاتمه مییابد .





۱ ـ لایِ‌لایْ ای گُلِ من ای لایِ‌لایْ
لایِ‌لایْ ـ لایِ‌لایْ
۲ ـ نو گل گلشن من ای‌لایِ‌لایْ لایِ‌لایْ ـ لایِ‌لایْ
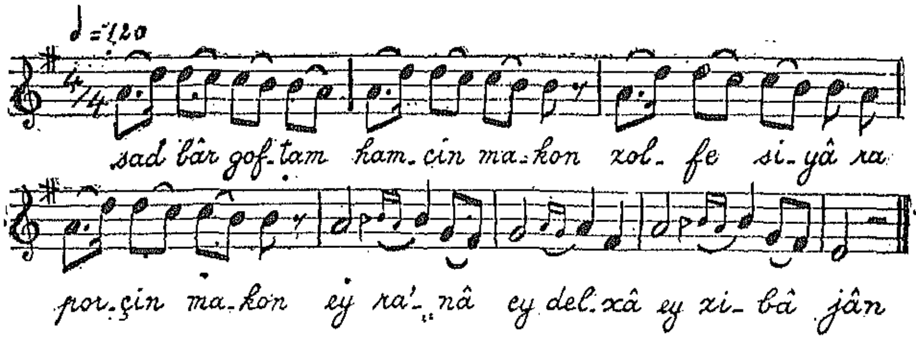




۱ ـ لالالالا گل‌لاله پلنگ درکوچه‌میناله(۱)
۲ ـ پلنگ درکوچه‌میناله برای دختر خاله
۳ ـ لالالا گلِ فندق مارَتْ(۲) رفته سَرِ صَندُقْ(۳)
۴ ـ لالالا گلِ زیره ترا خواب خوشْتْ گیره(۴)
۵ ـ لالالالا گلِ خشخاش بابات رفته خدا همراش

(۱) میناله (۲) مادرت (۳) صندوق (۴) گیرد

زیباجان

این ترانه که در گرگان نوشته شده جزء آهنگهای بازاری نمیباشد و بندرت شنیده میشود . اسم مخصوصی هم ندارد و کلمهٔ «زیبا» از اشعار آن انتخاب شده است . هیچگونه اثری جز همین آهنگ جذّاب و یك بیت شعر از آن باقی نمانده و باید خیلی قدیمی باشد و بترانه‌های اطراف «کتول» بیشتر شباهت دارد . بهرحال از لحاظ موسیقی دارای دو جزء متمایز است که هر کدام ممکن است برای ساختن یك قطعهٔ موسیقی سرمشق و نونهٔ خوبی باشد .
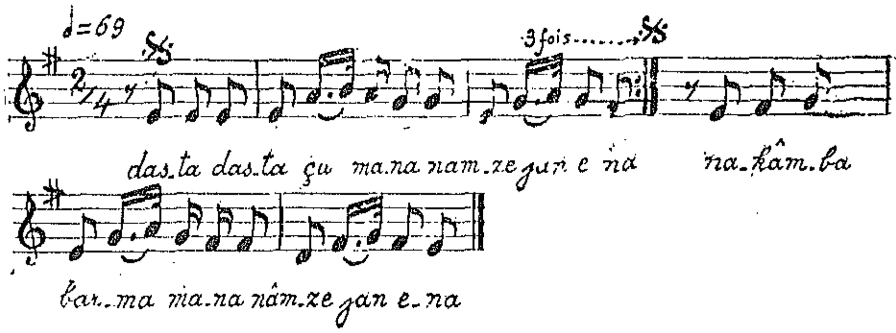


صدبار گفتم همچین (۱) مکن   زلف سیا (۲) ر (۳) پرچین مکن

ای رعنا ـ ای دلخوا (۴) ـ ای زیباجان

(۱) همچنین (۲) سیاه (۳) را (۴) دلخواه

نامزه جان

این ترانه که بنا بروایت پیرمردان گرگان بسیار قدیمی است اشعار مخصوصی دارد که بوزن دوبیتی نمیباشد واشعار معرّف رسومی است که از زمانهای سابق معمول بوده و اکنون متروك شده است از قبیل بردن عروس با کسانیکه با چوب دستی های بزرگ اورا مشایعت میکنند. آهنگ این ترانه در مایهٔ شور و دارای دوجزء است که نخست روی درجهٔ دوّم و بعد روی درجه اوّل کام شور فرود میآید.
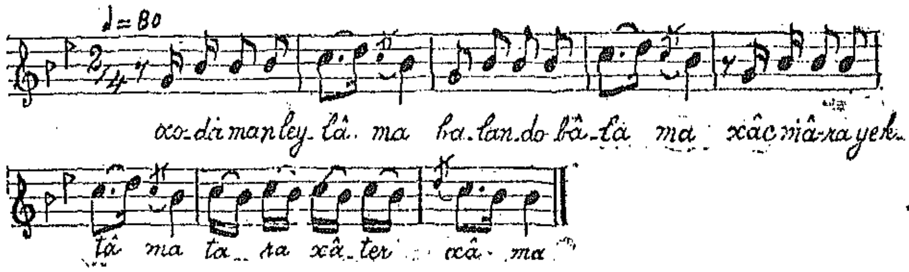


۱ ـ دَسته دَسته چو (۱) مَنَه (۲) نامزه‌جان ِانه (۳)	نامزدجان‌من‌باچوب‌دست‌دارها‌میاید
۲ ـ نقره دَسته چو مَنَه نامزه‌جان ِانه	با چوب هائی که دستهٔ نقره‌ای دارد
۳ ـ چشمان ِ سرمه مَنَه نامزه‌جان ِانه	نامزدجان من باچشمان سرمه کشیده‌میاید
٤ ـ نکامبه(٤) برمه(٥) مَنَه نامزه‌جان ِانه	دیگر نخواهم گریست ـ نامزدجان من میاید

(۱) چوب (۲) مال‌من (۳) میآید (٤) نمیکنم (٥) گریه

لیلا مه

این ترانه که دارای وزنی خوشحال است دردهات مغرب گرگان معمول‌میباشد و اشعار آن برعکس ترانه های دیگر بوزن دوبیتی نمیباشد . میگویند « لیلا » زنی بوده است که در دهی واقع در بیست کیلومتری غرب گرگان موسوم به « اُآلنگ » زندگی میکرده وبطوریکه خود در وصف خویش گفته ، زنی‌زیبا وبلند قامت ورشید بوده است . اشعار و آهنگ این ترانه قدیمی است و اهالی محل‌هم بقدمت آن اعتراف دارند . از لحاظ موسیقی، این آهنگ در مایهٔ سه گاه میباشد .
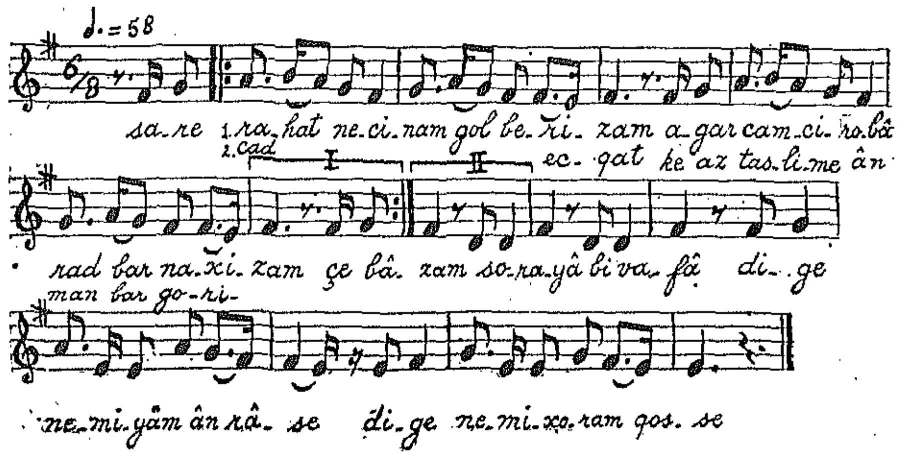


خُـدا مَن لیلا مَه(۱)	خدا من لیلا هستم
بُلند و بالا مَه	بلند بالا هستم
خاش(۲) مارَ(۳) یکتا مَه	یگانه فرزند مادر هستم
تَرَ(٤) خاطر خوا مَه	خاطر خواه تو هستم

(۱) هستم (۲) خویش-خود (۳) مادر (٤) ترا

ثریا

این ترانه در صفحات گرگان و مازندران خوانده میشود و قرینه‌ای در دست نیست که مخصوص صفحات شمال ایران باشد زیرا در نقاط دیگر ایران‌هم معمول است .
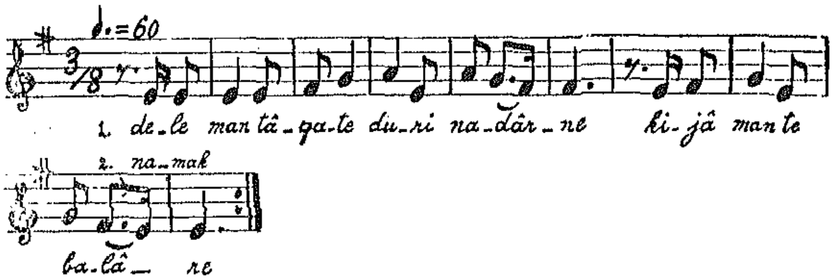


سر راهت نشینم گل بریزم   اگـر شمشیر و بارد بر نخیزم
چه باشد جان من درراه عشقت   که ازتسلیم آن‌من بر گزیرم
ثریا - بی‌وفا - دیگه(۱) نمیام(۲) آن راسه(۳) - دیگه نمیخورم غصه

دل من روز و شب از غصهٔ یار   شده از دوریش خونین بیکبار
دل یارم ز حال و روز گـارم   خبر دارد کـه باشد غصه ام کار
ثریا ـ بی‌وفا ـ دیگه نمیام آن راسه ـ دیگه نمیخورم غصه

(۱) دیگر (۲) نمیآیم (۳) راسته

کیجا من تِ بلاره

ترانهٔ ساده و قدیمی است که بیشتر در دهات اطراف گرگان خوانده میشود و مردم کهن سال نیز آنرا بهمین طریق میسرایند . اشعار ترانـه بوزن دو بیتی است و اشعار اصلی آن بر کسی معلوم نیست و با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود . این آهنگ در مایهٔ شور است .
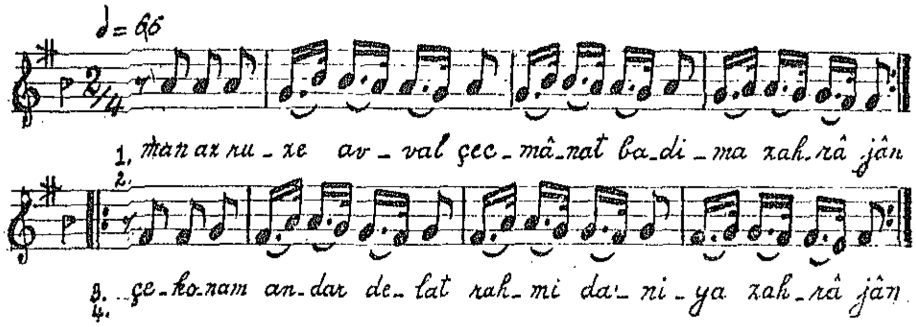


	ترجمه :
(۱) دل من طاقت دوری ندارْنِه(۱) کیجا مَنْ تِ (۲) بلاره (۳)	دل من طاقت دوری ندارد من بقربانت دختر
(۲) نمك بر دست من شوری ندارْنِه کیجا من تِ بلاره	نمك بردست من شوری ندارد من بقربانت دختر
(۳) من و تو آب يك رودخانه بَیِمی(٤) » » »	من و تو آب يك رودخانه شدیم ـ » » »
(٤) من و تو گندم يك دانـه بَیِمی » » »	من و تو گندم يك دانه شدیم ـ » » »

(۱) ندارد (۲) تو (۳) دورت بگردم ـ قربان بروم (٤) شدیم

زهراجان

این آهنگ که در مایهٔ سه گاهست در دهات اطراف گرگان خوانده‌میشود و شبیه نوحه خوانی است وشایدآهنگ‌آن مربوط بتعزیه باشد . اشعار این ترانه بوزن دو بیتی نیست و از اینرو دست نخورده میباشد . در صورتیکه تندتر از وزن معمولی خود و باحرکت متوسط نواخته شود زیباتر خواهد بود .



(۱) مَن از روز اوّل چشمانتْ بَدیمه (۱) زَهراجان
(۲) عاشق رُخسارِ نیکویتْ بَویته (۲) زهراجان
(۳) چکنم اندر دِلَتْ رحمی دَنیه (۳) زهراجان
(٤) که روز و شب از غمت ذلیل بَویته زهراجان

ترجمه :
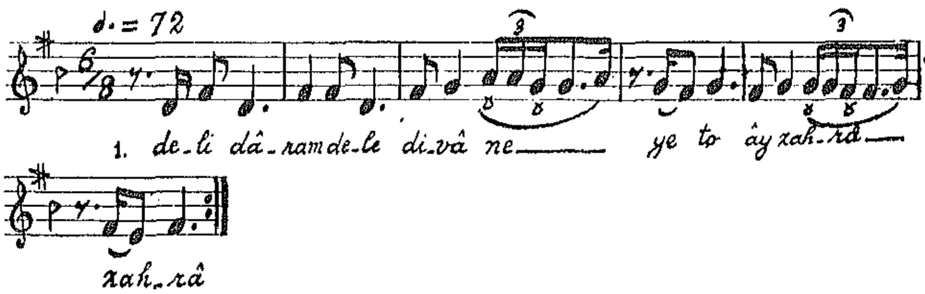
من از روز اول که چشمانت‌را دیدم
عاشق رخسار نیکویت شدم
چکنم در دلت رحمی نیست
که روز و شب از غمت ذلیل شدم

---

(۱) بدیدم (۲) شدم (۳) نیست

آی زهرا زهرا
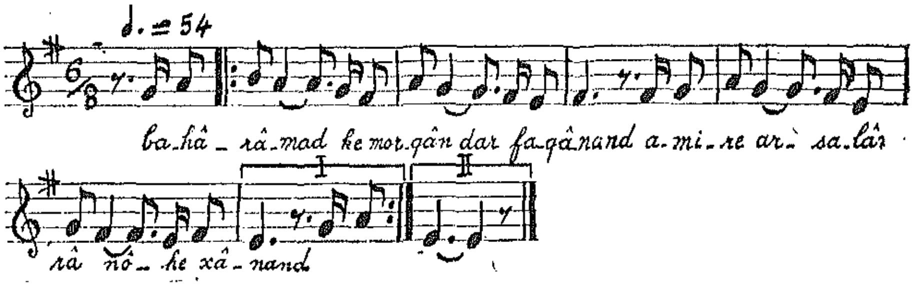
در بارهٔ این آهنگ بخوبی نمیتوان قضاوت کرد که از چه ناحیه‌ای برخاسته زیرا در اغلب نقاط معمول است و چون بوزن دو بیتی است با اشعار مختلف خوانده میشود ولی در گرگان و اطراف آن بیشتر متداولست . آهنگ آن ساده و مُوَقّر و در مایهٔ سه گاه میباشد .



(۱) دلـی دارم دل دیوانـهٔ تـو — آی زهرا زهرا
(۲) قُرُقْ کـردی نیایم خانهٔ تو — « « «
(۳) قرق کردی که من مسجد بخوابم — « « «
(۴) تنم در مسجد و دل خانـهٔ تو — « « «
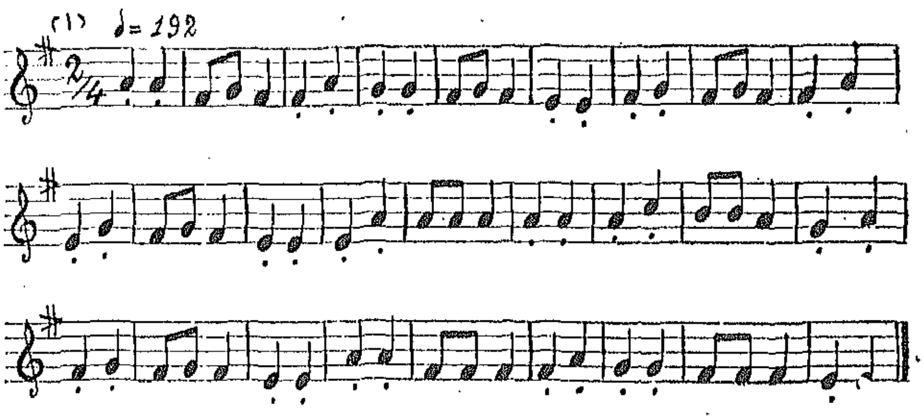
نوروزخوانی

در صفحات شمال ایران معمول است که از بیست روز به عید نوروز مانده نوروزخوانی میکنند باین ترتیب کسانی که سابقه در این کار دارند دوره گردی کرده اشعاریرا که یا خود ساخته یا دیگران در وصف نوروز سرائیده اند میخوانند و از صاحبان خانه‌ها انعام میگیرند و اینکار از زمانهای قدیم نیز متداول بوده چنانکه در تهران‌هم درویشها جلوی خانه‌ها برای همین منظور چادر میزدند. البتّه چون اشعار از اشخاص مختلف است و اغلب بنا باقتضای وقت ساخته میشود ارزشی از لحاظ قدمت ندارد. آهنگ این ترانه نیز ساده ومعمولی است وبنظر آشنا میآید. شاید درتهران‌هم، شنیده شده باشد. این نغمه دارای دوعضو جمله است که قسمت اوّل شبیه بابوعطاست و عضو دوّم جمله در شور فرود میآید.

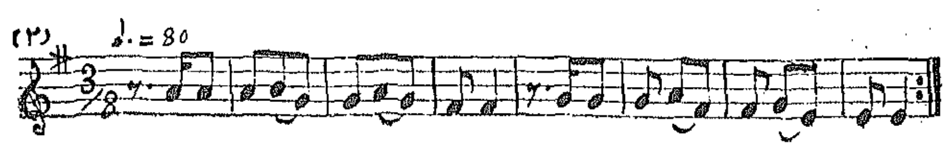


بهار آمد که مرغان در فغانند امیرارسلان را نوحه خوانند

دو ترانهٔ ترکمنی
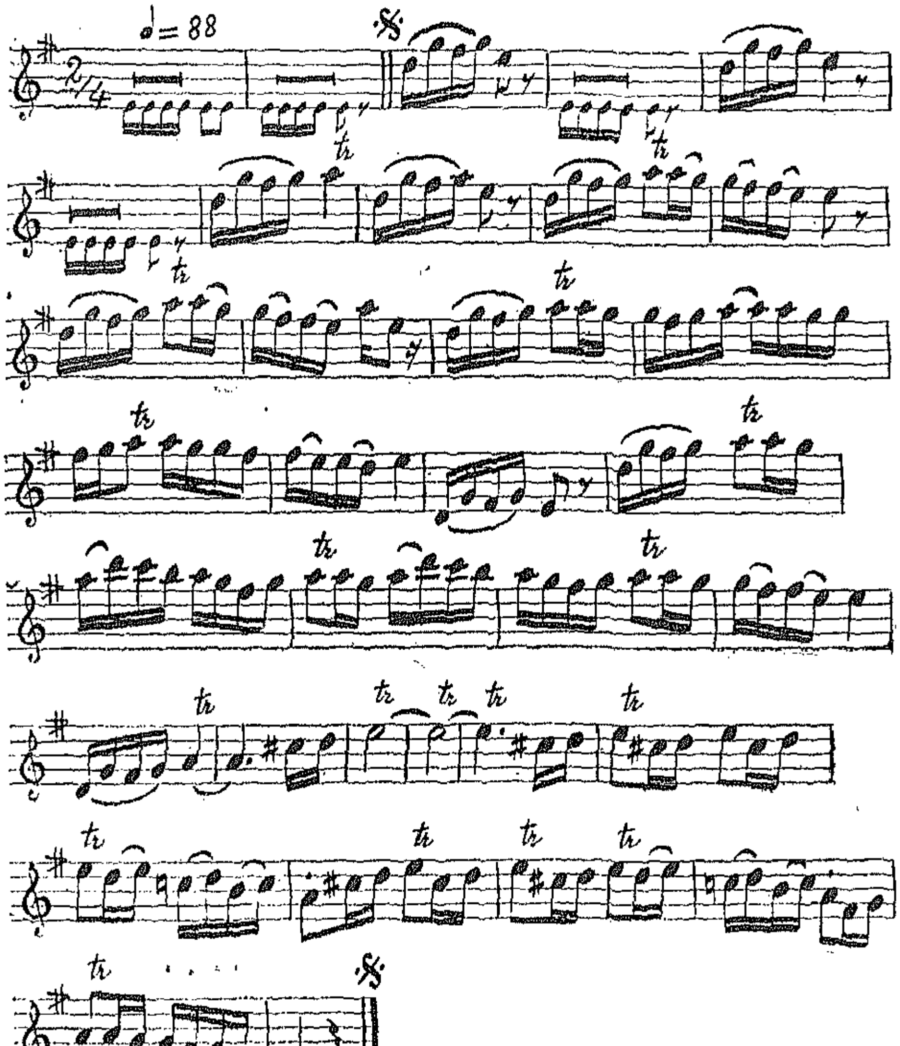


این دو آهنگ نمونه‌ایست از نغمه‌های ترکمنهای دشت گرگان که در گنبد قابوس نوشته شده . همانطور که آداب و رسوم و وضع زندگانی ترکمنها با فارسی زبانان گرگان اختلاف دارد، آهنگ‌های محلی آنها نیز وضع مخصوصی دارد و بیشتر برای رقص است . با این دو نغمه میتوان رقصید و از نوشتن اشعار آن چون زبان فارسی نبود صرف نظر شد .



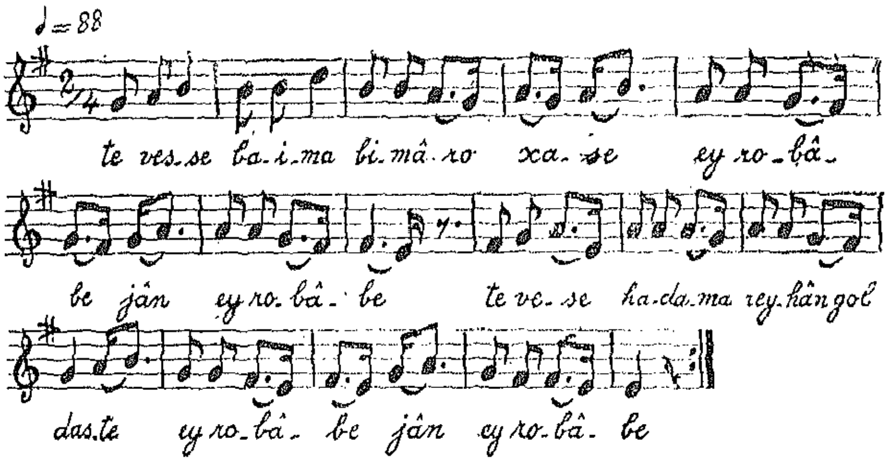
نوای عروسی

این آهنگ بدون همراهی شعر با کمانچه توسط گودارها (کولی‌ها) که مطرب مجالس عروسی هستند نواخته میشود ونام خاصی ندارد . آهنگ آن بی شباهت بورساقی نیست . باستثنای قسمت آخر ، تمام آهنگ در مایهٔ شور و عبارت است از یك نغمهٔ کوچك یك میزانی که بچند نوع مختلف بطور طبیعی پرورش یافته است . قسمت خاتمهٔ آن درعشاق است که بشور فرود میآید . آهنگ آن هم جذّاب وخوشحال است .



ربابه

ترانه ایست که درصفحات مازندران و گرگان خوانده میشود و این‌طور بنظر میآید که از مازندران بگرگان رفته باشد. اشعار مخصوصی‌هم ندارد و برای خواندن یك دو بیتی باید دوبار آهنگ راتکرار کرد. یکی از دو بیتی‌های محلی مازندران برای خواندن آن انتخاب ونوشته شد.

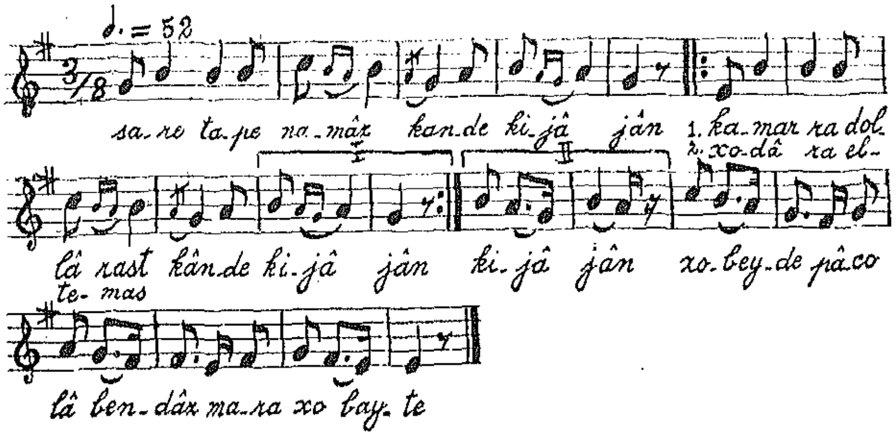


ترجمه :	- بند اوّل -
برای تو شدم بیمار و خسته .	تِه وِسّه(۱) بِ اِیمه(۲) بیمار و خَسّه(۳)
	ای ربابه جان - ای ربابه
فرستادم برت گل دسته دسته	تِه وِسّه هَدامه(٤) ریحان گُلدَسته
	ای ربابه جان - ای ربابه
	- بند دوّم -
ترا تا مادرت گهواره بسته	آنگاه تِه مارْ(٥) تَرَ گهواره وَسّه(٦)
	ای ربابه جان - ای ربابه
دل مارا بهم یکباره بسته	عَقدِ مَن و تَرَ خدا دَوَسّه(۷)
	ای ربابه جان - ای ربابه

(۱) برای (۲) شدم (۳) خسته (٤) دادم (٥) مادر (٦) می‌بست (۷) بسته

زبیده

مشهورترین ترانهٔ صفحات شمال ایران است . میگویند زبیده زنی زیبا وبا خدا و از اهل قریهٔ کرد محله بوده است و شاید همین زیبائی وبا خدائی او را مشهور کرده وسبب ایجاد این ترانه شده باشد. این ترانه ازسه مصراع بوزن دو بیتی تشکیل میشود که آهنگ هرسه مصراع آن یکی است و آهنگ و وزن شعری مصراع چهارم تغییر میکند و درعین سادگی، جذّابیّت خاصی دارد وخوانندگان محلی آن را بحالتی حزین وغمناك میخوانند . ترانه هائی شبیه بآن در کردستان و گیلان نیز معمول است که قدیمی میباشند و شاید این ترانه هم ازهمان قبیل باشد .



سرِ تپه نماز کانده(۱) کیجا(۲) جان
کمر رَ(۳) دُ"لا(٤) راستْ کانده کیجاجان
خدا رَ التماس کا ه کیجاجان
زبیده پاشو لا(٥) بنداز مرَ(٦) خو(٧) بیته(٨)
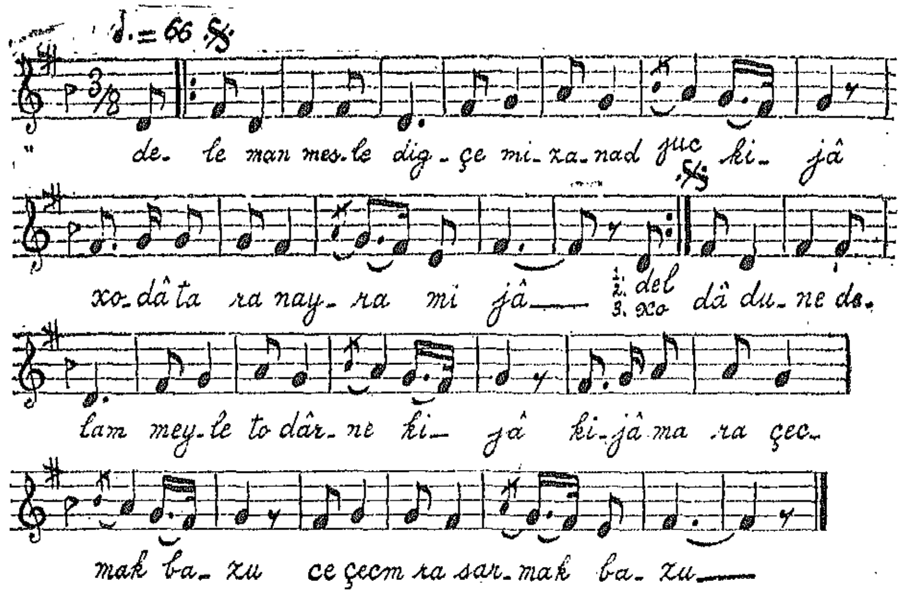
ترجمه :
دلبر من سر تپه نماز میگزارد
کمر خودرا خم و راست میکند
خدای را التماس میکند
زبیده برخیز رختخواب بیانداز ،
مرا خواب گرفته است .

---

(۱) میکند ـ میگزارد (۲) دختر (۳) را (٤) خم (دولا) (٥) رختخواب (٦) مرا
(۷) خواب (۸) گرفته

خدا تر نیره میجا

این آهنگ که قسمت اوّل آن کاملاً شبیه بآهنگ « آی زهرا زهرا » و در مایهٔ سه گا هست از ترانه های معمول و بازاری مازندران مخصوصاً ساری و بابل است و آنرا با حالت محزونی میخوانند واشعار خاصی ندارد . قسمت اوّل آهنگ بادوبیتی های مختلف خوانده میشود و قسمت دوّم با یك مصراع هشت سیلابی که همان نام ترانه است . چنانکه ملاحظه میشود آخر ترانه هم شعر مخصوصی دارد که معرّف رسوم متداوله میباشد .

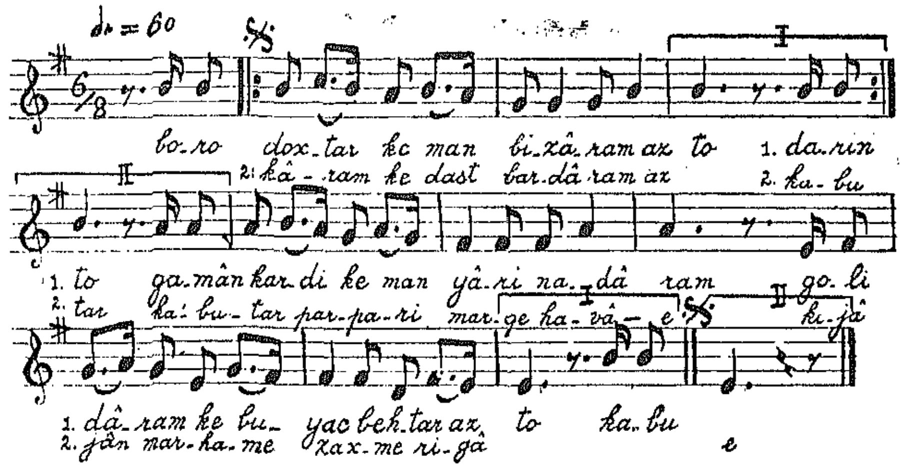


دل من مثل دیگچه میزند جوش ـ کیجا (۱) خدا تَرَ (۲) نیْرَه (۳) میْجا (٤)	خدا ترا ازمن نگیرد
دلبرجان حرف مردم را مده گوش ـ کیجا » » » »	
دلبرجان حرف مردم پاندارْنه (٥) ـ کیجا » » » »	
خدا دونه (٦) دِلَمْ میل تو دارْنه ـ کیجا » » » »	
کیجا مَرَ چشمك بَزُو (۷)	دختر بمن چشمك زد
شه (۸) چشم رَ (۹) سَرْمَلْ (۱۰) بَزُو	چشم خودرا سرمه کشید

(۱) دختر (۲) ترا (۳) نگیرد (٤) ازمن (٥) ندارد (٦) میداند (۷) زد (۸) خودش
(۹) را (۱۰) سرمه

کبوتر

این ترانه که از آهنگ های قدیمی و روستائی است و در مازندران و گرگان خوانده میشود و گاهی آنرا در آخر ترانهٔ نرکس غلّه پائی نیز میسرایند ممکن است از نغمه های محلی گرگان باشد . مانند اغلب ترانه‌های صفحات شمال ایران از دشتی شروع میشود و در شور فرود میآید . نام مخصوصی هم ندارد و با دوبیتی های مختلف خوانده میشود .
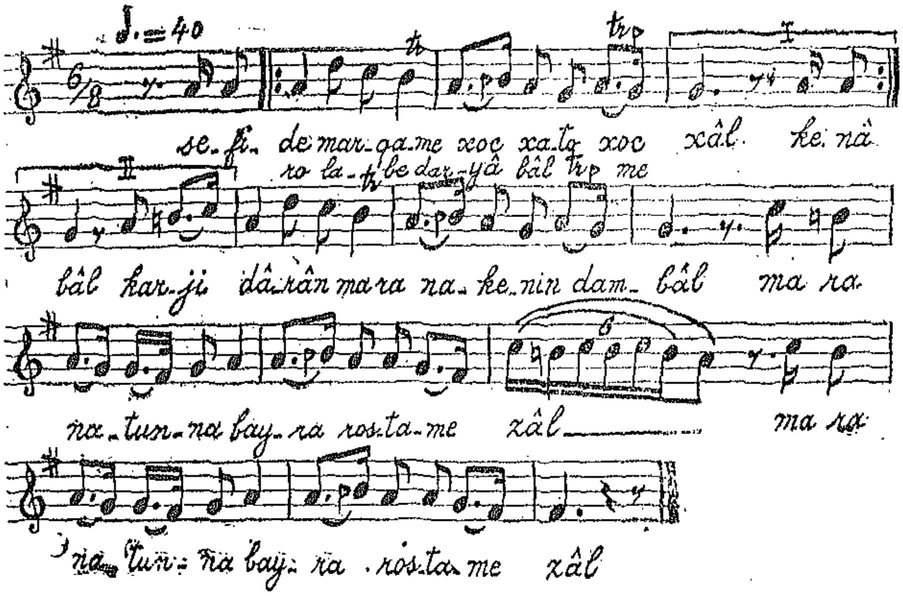


برو دختر کـه من بیزارم از تو — دراین کارم که دست بردارم ازتو
گمان کردی که من یاری ندارم — گلی دارم که بویش بهتر ازتو

کبوتر آی کبوتر آی کبوتر — کبوتر بهتره یا مس(۱) دختر
کبوتر پرپری مرغ هوا یا(۲) — کیجا(۳) جان مرهم زخم ریکا(٤) یا

(۱) مست (۲) است (۳) دختر (٤) پسر بچه

سفیده مرغمه

این آهنگ دلکش و زیبا که نام مخصوصی ندارد با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود. برای نمونه آنرا با یکی از دوبیتی های معمول نوشته و نام اوّل شعررا روی آهنگ گذارده است تا از دیگران متمایز باشد و چون در مازندران و گیلان هردو خوانده میشود بتحقیق معلوم نیست از کجاست. آهنگ ترانه بسیار موقر و سنگین و در مایهٔ افشاری است.
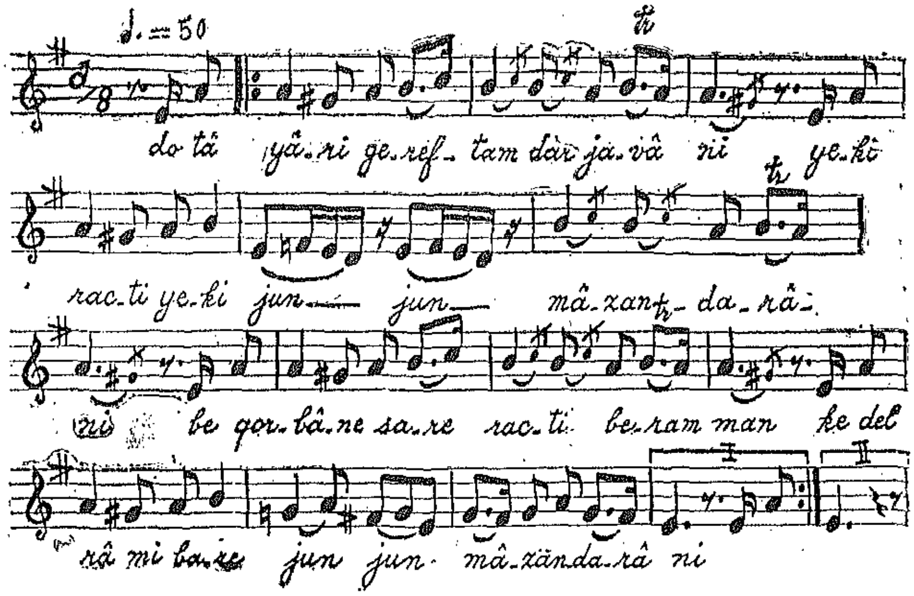


سفیده مرْغمه (۱) خوش خطّ و خوش خال	مرغ سفیدی هستم خوش خطّ وخال
کنار و لب دریا بال زِمّه (۲) بال	در کنار دریا میزنم بال
کرِجیْ داران مرَ (۳) نکینن (٤) دَنبال (٥)	کرجی داران مرا دنبال نکنید
مرَ نتونّه (٦) بیره (۷) رستمِ زال (دومرتبه)	رستم زال هم مرا نمی‌تواند بگیرد

(۱) مرغ‌هستم (۲) میزنم (۳) مرا (٤) نکنید (٥) دنبال (٦) نمیتواند (۷) بگیرد

جون جون

آهنگ این ترانه که در ردیف بهترین نغمات محلی صفحات شمال است تأثیر غریبی در نگارنده دارد که هیچیك از نغمات دیگر بپای آن نمیرسد مخصوصاً ببکی که در آخر ترانه ازاصفهان بشور فرود میآید بکلّی تازگی دارد و تعجّب است که با این زیبائی و شایستگی چرا اکنون کمتر معمول است . این آهنگ در ساری نوشته شده و چند سال قبل در مازندران بیشتر معمول بوده و اکنون متروك شده است .
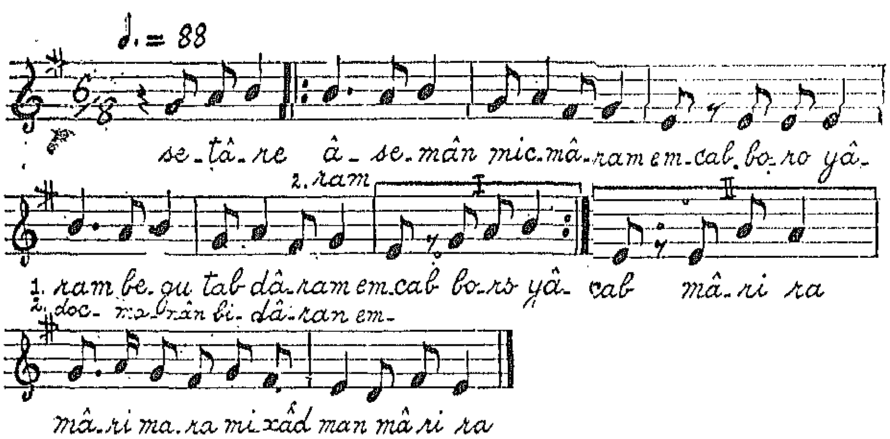


دوتا یاری گرفتم در جوانی یکی رشتی یکی ـ جون‌جون ـ مازندرانی

بقربانِ سر رشتی برم من که دل را میبره ـ جون‌جون ـ مازندرانی

ماری

ترانه‌ایست نزدیك بآهنگ‌های مازندرانی ومیگویند «ماری» مخفّف کلمهٔ مریم است . این ترانه با دوبیتی های مختلف خوانده میشود و شعر مخصوصی ندارد فقط جملهٔ آخر که مربوط به «ماری» است در آخر دوبیتی‌ها تکرار میشود . ترانه ایست بوزن معمول و بازاری و در سایر نقاط نیز معروف شده چنانکه در تهران نیز با اختلاف مختصری درآهنگ متداول میباشد . ازلحاظ مایه مانند اغلب ترانه‌های صفحات شمال در دشتی و شور است .



ستاره آسمان میشمارم امشب — برو یارم بگو تب دارم امشب

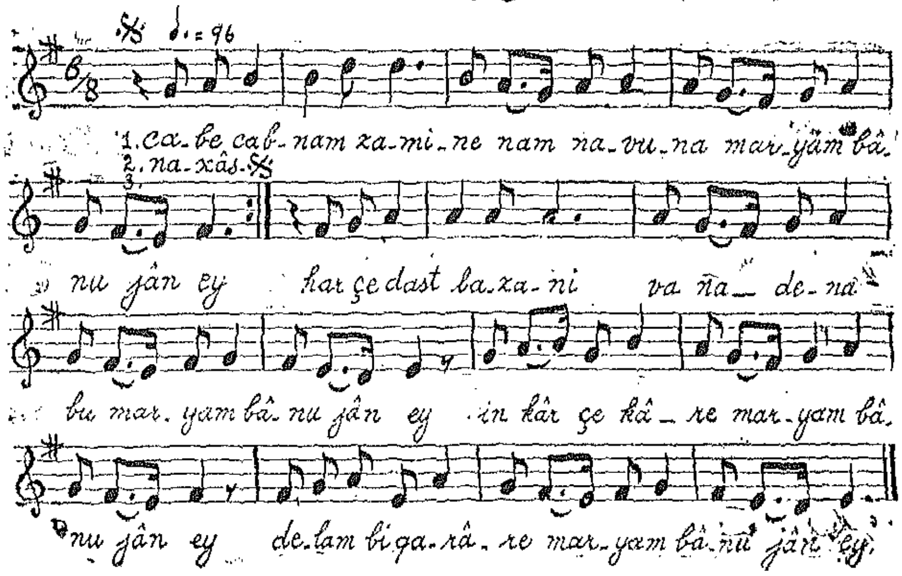
برو یـارم بگو امشب نیـاید — تمام دشمنان بیدارَنْ(۱) امشب

ماری رَ(۲) ــ ماری مَرَ ــ میخوادْ(۳) ــ مَنْ ماری رَ

(۱) بیدارند (۲) را (۳) میخواهد

مریم بانو

ترانه های زیادی بنام «مریم بانو» در صفحات شمال خوانده میشود . آهنگ این ترانه بخلاف ترانهٔ قبلی (ص۱۶) که درسه گاه بود دردشتی است وشاید هر دو آهنگ در وصف یك تن ساخته شده باشد . اشعار این ترانه بوزن دوبیتی است و چون در مازندران شنیده شده با اشعار مازندرانی نوشته شده است .



۱ ــ شبِ شبنمْ زمینِ نم(۱) نوو نه(۲)	با شبنم شب زمین ' گل نمیشود
مریم بانو جان‌ای	
۲ ــ نخواسته یارْ دلِ غمْ کمْ نوونه	با یار ناخواسته ' غم دل کم نمیشود
مریم بانو جان‌ای	
۳ ــ نخواسته یارْ بمثلِ نرسه(۳) لیمو	یار ناخواسته مانند لیموی نرسیده است
مریم بانو جان‌ای	
هرچه دستْ بزنی و(۴) ندنه(۵) بو	که هرچه بآن دست بزنی بو نمیدهد
مریم بانو جان‌ای	
این کار چه کاره ــ مریم بانو ــ جان ای	
دلم بیقراره ــ مریم بانو ــ جان ای	
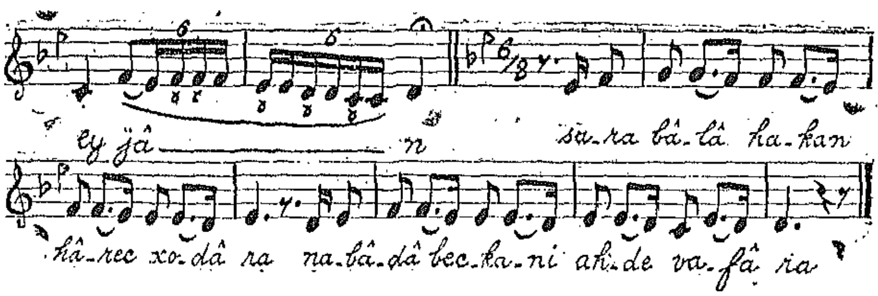
---

(۱) نم ـ خیس ـ گل (۲) نمیشود (۳) نرسیده (٤) او (٥) نمیدهد

آهنگ طبری یا امیری

گرچه آهنگ های محلی معمولاً ازجمله های کوچك موزون تشکیل میشود ولی در مازندران آهنگی بنام امیری یا طبری مشهور است که مانند آواز های بی ضرب ایرانی از قید وزن آزاد است و بهمین جهت همه کس از عهدهٔ خواندن آن بر نمیآید مگر خوش صوت باشد و بتواند ازعهدهٔ ادای غلت های آواز امیری بر آید. این آهنگ معمولاً بااشعار شاعر معروف مازندرانی **امیر پازواری** که ازاهالی دهی در شش کیلومتری بابل بنام **پازوار** بوده سرائیده میشود . اشعار امیر اغلب در وصف معشوقهٔ او موسوم به **گهر** سروده شده و داستان عشق امیر و گهر در مازندران ضرب المثل میباشد . چون این آهنگ بسیار زیبا و جذّاب و اشعار امیر نیز لطیف و دلکش است ، اهالی مازندران باین آهنگ واشعار ، علاقهٔ مخصوص دارند وآن را بردستگاههای آواز ها ترجیح میدهند.

اینك نمونه ای از این آواز معروف را با دو بند از اشعار امیر یا زواری برای استفادهٔ خوانندگان مینگاریم و ضمناً این نکته را هم متذکر میشویم که در موقع خواندن این آهنگ ، نخست ، آوازه خوان یك بند از اشعار امیر را بتنهائی میسراید ، سپس یکی از ترانه های معمول دیگر را چند نفر بشیوهٔ تصنیف ، بعد از خواننده بطور دسته جمعی میخوانند . در نت نویسی این آهنگ ، قسمت اول که عبارتست از آواز امیری درصفحه ۳۹ وقسمت دوم که شامل یکی از ترانه های متداول مازندران است درصفحه ۳۸ نوشته شده است .



(۱)

ای ـ امیرگوته(۱) که مِ(۲) کارْ چه‌زار بورَیه(۳)	امیرگفته‌است که کارمن چگونه‌زارشد
مِ پوستِه(٤) کلا(٥) شالِ(٦) نهارْ بورَیه	که کلاه پوستی مردانهٔ من نهارشغال‌شد
بَشقابْ پلا(۷) خوار(۸) اطاقْ دارْ بویه	کسی که از ته‌بشقاب پلومیخورد اطاق‌دارشد
کالِ چرم(۹) دارِ زینِ سوار بویه	چاُرق دار سوار اسب زین دار شد
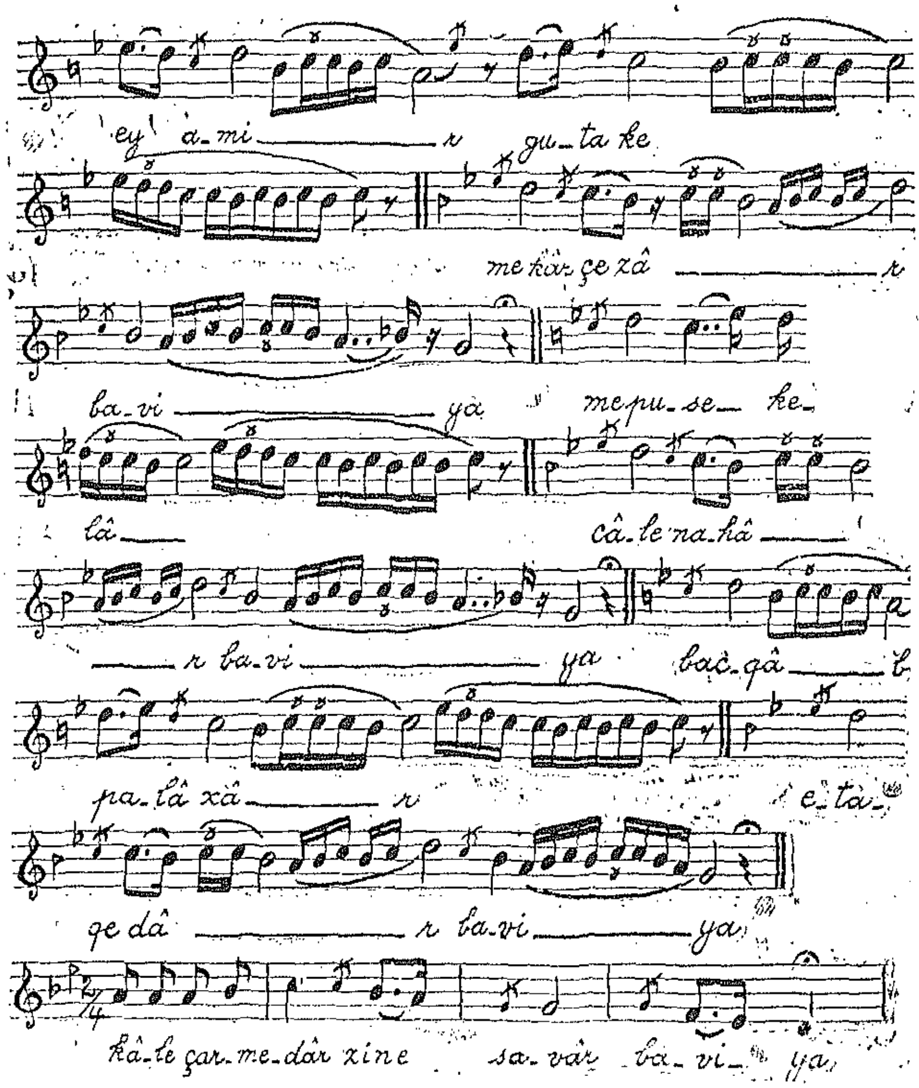
(۲)

اي ـ نماشونْ(۱۰)سَرو(۱۱)ویشه(۱۲)بَویه(۱۳)خاموش	آمد غروب و بیشهٔ انبوه شد خموش
مسیْ (۱٤) بلْبَلِ صِدا بمو (۱٥) منِ (۱٦) گوش	هردم نوای بلبل مستی رسد بگوش
نامردِ فلک حلقه دینگو (۱۷) منِ گوش	چرخ دنی فکنده یکی حلقه‌ام بگوش
وینِ (۱۸)بَمَردَنْ(۱۹)بُردنْ(۲۰)چار(۲۱)کسِ(۲۲)دوش	باید که مرد ورفت بروی چهاردوش

برگردان

سرَ بالاَ هکنْ(۲۳) هارِشْ(۲٤) خدا رَ(۲٥)	سرت را بالا کن تا خدارا بینی
نبادا بشکنی عهد وفا رَ	مبادا بشکنی عهد وفا را

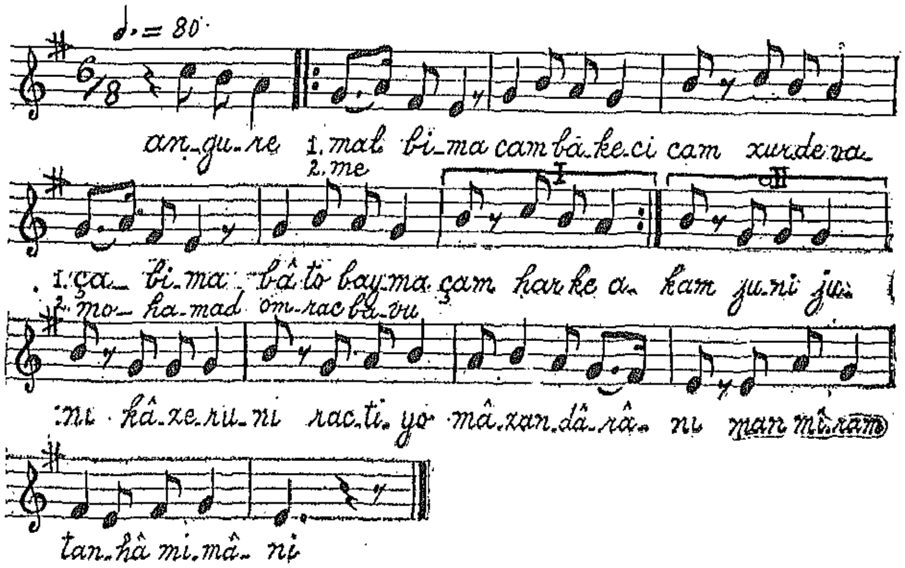
(۱) گفته (۲) من (۳)شده‌است (٤) پوستی (٥) کلاه (٦) شغال (۷) پلو (۸)خورنده (۹) چارق (۱۰)عصر (۱۱) وقت (۱۲) بیشه (۱۳) شد (۱٤)مست (۱٥)آمده(۱٦) من (۱۷)انداخت(۱۸) باید (۱۹)مردن (۲۰)رفت (۲۱)چهار (۲۲) کس (۲۳) بکن (۲٤) ببین (۲٥) را [ترجمهٔ اشعار بند دوم از آقای محمد عاصمی است که از شمارهٔ ۱۳ روز نامهٔ زبان ملت اقتباس شده است] .



بقیهٔ آهنگ درصفحهٔ مقابل است.

جونی جونی

این ترانه ظاهراً مازندرانی است ولی در گرگان و رشت نیز خوانده میشود و در سایر نقاطهم شنیده شده است . آهنگ ترانه بنغمات سواحل دریای خزر شباهت کامل دارد و با اشعار دوبیتی خوانده میشود فقط در قسمت آخر برگردانی دارد که تکرار میشود . ازلحاظ مایه در دشتی و شور است و دارای دوقسمت میباشد که اوّلی چهار دفعه تکرار میشود و دوّمی مخصوص خاتمه است .
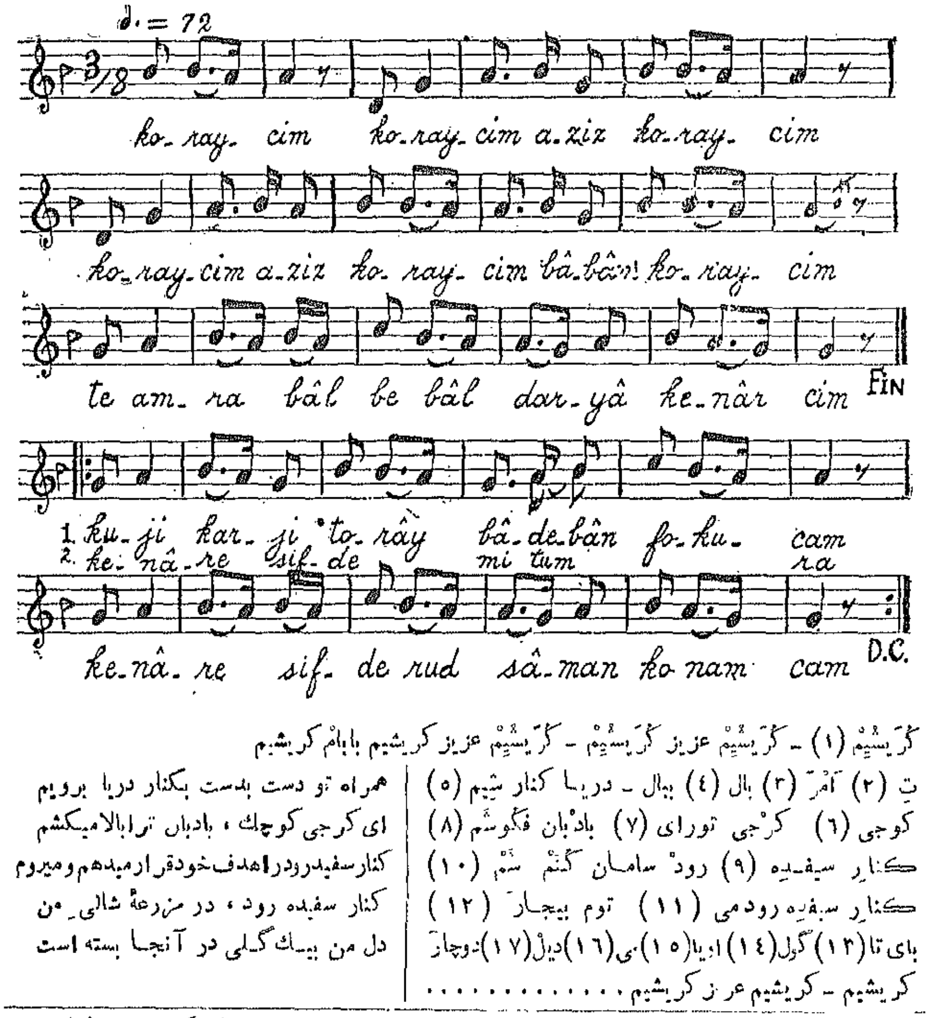


انگور مَل(۱) بیمه(۲) شَم(۳) بَکشی(٤) شَم	درخت مو بودم درحال رشد کردن
خورده(٥) و چه(٦) بیمه باتو بیمه(۷) چَم(۸)	کودك خردسالی بودم که باتودوست شدم
هر که اَمه(۹) میون(۱۰) رَ(۱۱) زنده(۱۲) بر هم	هر کسی میان ما را بهم میزند
بحّق محمّد عمرش بَوُ(۱۳) کَم	بحّق محمّد عمرش کم بشود
جونی جونی – کازرونی – رشتی و مازندرانی	
من میرم(۱٤) تنها میمانی	

(۱) مو (۲) بودم (۳) رشد (٤) کشیده شده (٥) کوچك ـ خُرد (٦) بچه
(۷) شدم (۸) رام ـ دوست (۹) ما (۱۰) میان (۱۱) را (۱۲) میزند
(۱۳) بشود (۱٤) میروم

کریشیم

این آهنگ کـه در دلکش ماهور است در رشت معمول شده و در تنکابن و ولاهیجان هم خوانده میشود . قسمت اوّل این ترانه با کلمات کریشیم . . . . وقسمت دوّم با یك دو بیتی خوانده میشود ومجدداً کلمات کریشیم . . . . در آخر آن تکرار میشود .
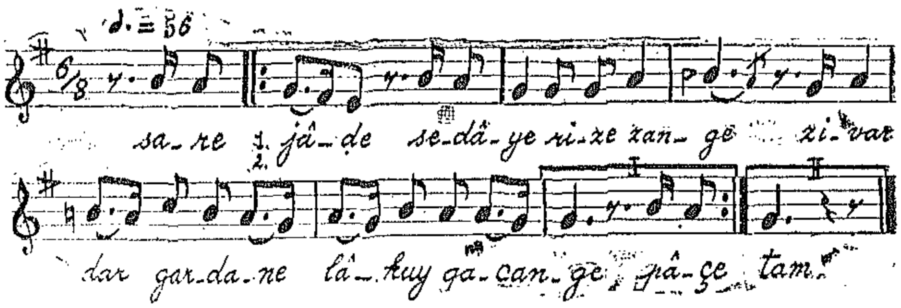


کَرَیشِیْم (۱) ـ کَرَیشِیْم عزیز کَرَیشِیْم ـ کَرَیشِیْم عزیز کریشیم بابامْ کریشیم

تِ (۲) آمْرَ (۳) بال (٤) ببال ـ دریـا کنار شیم (٥)	همراه تو دست بدست بکنار دریا برویم
کوجی (٦) کرْجی تورای (۷) بادْبان فکوشَم (۸)	ای کرجی کوچك ، بادبان ترابالامیکشم
کنار سیفـیده (۹) رودْ سامـان کُنَمْ شَمْ (۱۰)	کنارسفیدرودراهدف‌خودقرارمیدهم‌ومیروم
کنار سیفیده رودمی (۱۱) توم بیجارَ (۱۲)	کنار سفیده رود ، در مزرعهٔ شالی ـ من
بای تا (۱۳) گول (۱٤) اویا (۱٥) بی (۱٦) دیلْ (۱۷) دوچارَ	دل من بیك گلی در آنجا بسته است
کریشیم ـ کریشیم عزیز کریشیم	

(۱) از کجابرویم (۲) تو (۳) همراه (٤) دست بدست (٥) برویم (٦) کوچك (۷) ترا (۸) بلندمیکنم ـ بالامیکشم (۹) سفید (۱۰) میروم (۱۱) مال من (۱۲) مزرعهٔ شالی (۱۳) بیك تا (۱٤) گل (۱٥) آنجا (۱٦) من (۱۷) دل

زیور

این ترانه در لاهیجان و تنکابن و رشت زیادشنیده‌شده ودر گرگان هم‌معمول است و اخیراً در شرف منسوخ شدن است. نام مخصوصی هم ندارد و یکی از کلمات اشعار بعنوان نام آن انتخاب شد. اشعار آن بوزن دو بیتی میباشد و جملهٔ دیگری در آخر آن میخوانند که بعداً اضافه شده و اصل ترانه بهمان کیفیتی است که در این جا نوشته میشود.
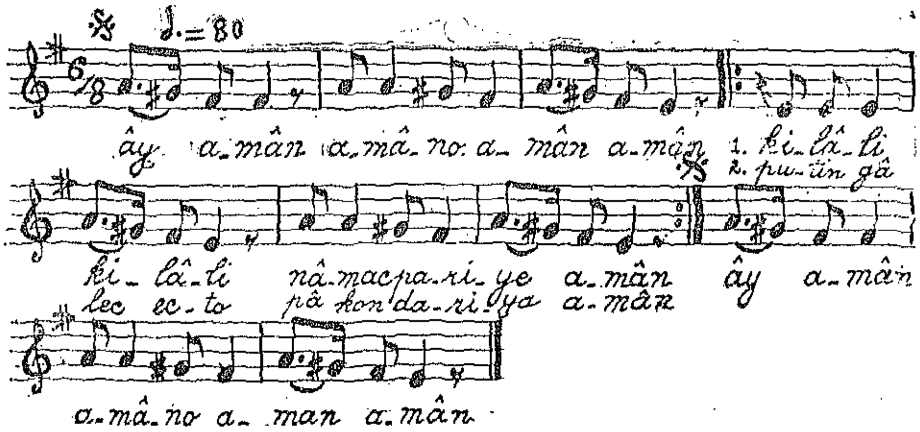


۱ سر جادّه صدای ریزه (۱) زنگه زیور در گردن لاکوی (۲) قشنگه	در جادّه صدای زنگوله میآید جواهر در گردن دختر، قشنگ است
۲ پاچه(۳) لاکوی، من ازبوی تومستم تو گل برخدا دل بر تو بستم	دختر کوچولو، من ازبوی تومستم

(۱) کوچك ـ ریز (۲) دختر (۳) کوچك

ای امان

این آهنگ درفومن معمول است ودر موقع خواندن آن ، اشعار بوسیلهٔ مردها و کلمات « آی آمان » بطور دسته جمعی بوسیلهٔ زنان که صدای خود را بامردان هم آهنگ میکنند سرائیده میشود . این نغمه در مایهٔ اصفهان و همایون است .
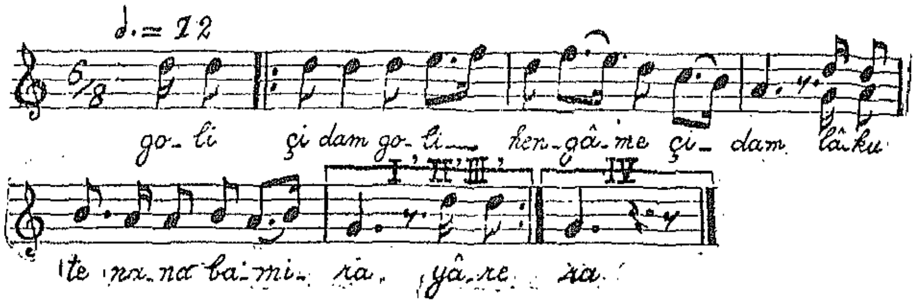


آی امان ـ آمان و آمان آمانْ	
کیلالی (۱) ـ کیلالی ـ نامش پَری یه ـ امان	ای دختر که نامت پری است
پوتین گالشْ اِشتو (۲) پا کُن (۳) دَریه (٤) ـ امان	پوتین و گالش بپایت کرده ای
آی امان ـ امان و امان امان	
عباس کُهمْ (٥) دُمه (٦) اِشتو خَریه (۷) ـ امان	میدوم تا کوه عباس کهم برای خریدن آن
گِردِ (۸) دنیا دُمه اِشتو مارِیَه (۹) ـ امان	دور دنیارا میدوم برای خاطر تو
آی امان ـ امان و امان امان	

(۱) دختر (۲) تو (۳) زیر (٤) داری ـ پوشیده ای (٥) نام کوهی است در اطراف ماسوله (٦) میدوم (۷) میخرم (۸) دور (۹) برای خاطر مادرت

لاکو

این ترانه ظاهراً بنظر گیلکی میآید ولی در لاهیجان شنیده شده و ممکن است مربوط به تنکابن هم باشد زیرا کلمهٔ « لاکو » در تنکابن زیاد مصطلح است . درهرحال ترانهٔ زیبائیست که ازعشاق شروع میشود و بدشتی فرود میآید و در صفحات شمال در شرف از بین رفتن است و بهمین جهت شاید قدیمی باشد و اهالی محل از تکرار آن خسته شده باشند . این آهنگ در تهران هم شنیده میشود و در عین کوچکی بسیار جذّاب و شیرین است .
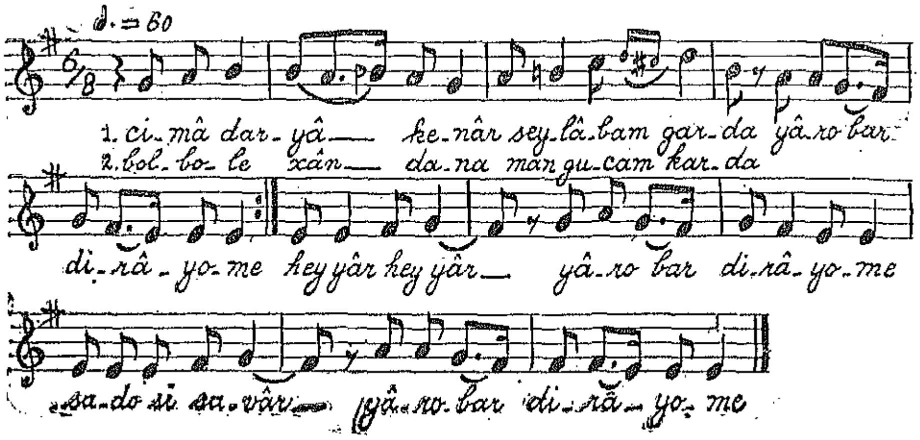


۱ ــ گلی چیدم گلی هنگامه چیدم	لاکو(۱) تِه(۲) نَه نَه(۳) بمیرَه(۴)
۲ ــ یار خودرا دَم سرچشمه دیدم	» » » »
۳ ــ بچشمْ دیدم بدل آهی کشیدم	» » » »
٤ ــ گمان کردم مُراد خود رسیدم	» » » »

---

(۱) دختر (۲) تو (۳) مادر (٤) بمیرد

هی یار - هی یار

این ترانه در « رضوان‌ده » طالش نوشته شده و در زمرهٔ « تازه دستان » و دارای دو قسمت میباشد که قسمت اول آن ازدشتی شروع شده مانند قسمت دوم بشور فرود میآید . درطالش، بازاری است در فومنات هم خوانده میشود .



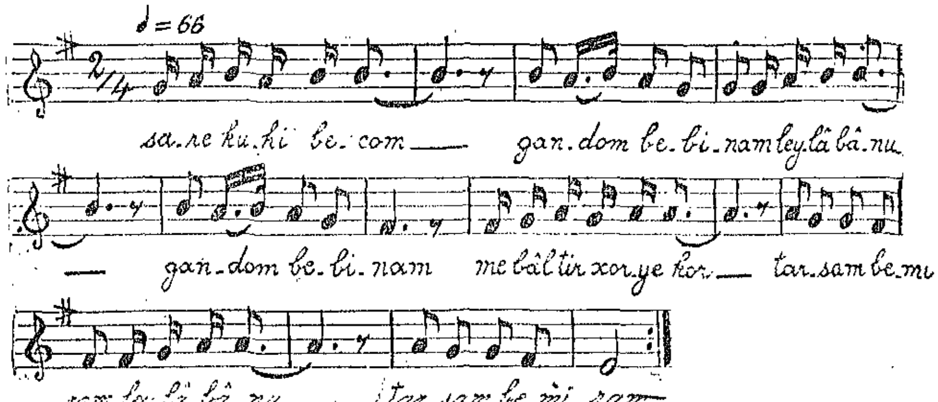
بشیما (۱) دریا کنار سیلابم (۲) گرده (۳)
یار و بر (٤) دیر (٥) آیمه (٦)
بلبل خواندن من گوشم کرده (۷)
یار و بر دیر آیمه
هی (۸) یار - هی یار - یار و بر دیر آیمه
صد و سی سوار - یار و بر دیر آیمه

میروم کنار دریا سیلاب‌را تماشا کنم
یار، برای بردن من آمده است
خواندن بلبل را گوش کنم
یار، برای بردن من آمده است

(۱) میروم (۲) سیلاب را (۳) تماشا کنم (٤) برای (٥) بردن من (٦) آمده
(۷) کردم (۸) ای .

لیلابانو

این ترانه درفومن نوشته شده وآهنگ آن در ابتداء بیشتر بآواز شباهت دارد وبنغمات گیلکی نزدیکتر است . همانطورکه زبان اهالی فومن مخلوطی ازلهجهٔ گیلکی و طالشی است، این آهنگ هم بآهنگ‌های دیگر گیلکی وطالشی شباهت دارد . این نغمه با نصف دوبیتی تمام میشود وباید دومرتبه تکرارشود . کلمهٔ «لیلابانو» هم در آخر مصراع مجدداً خوانده میشود .

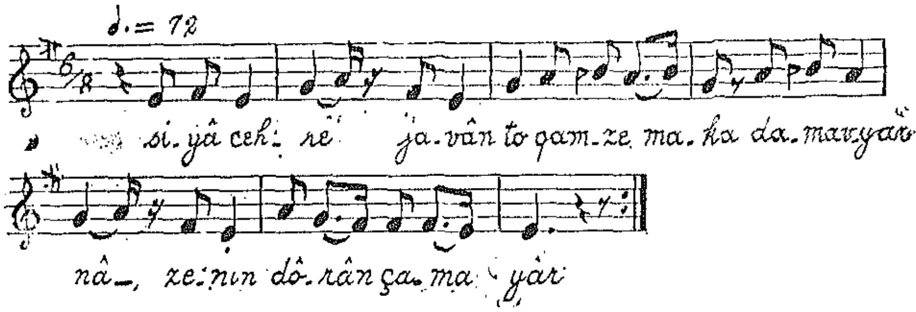


(۱)	
سرِ کوهی بشم(۱) گندم ببینم لیلابانو گندم ببینم	رفتم سر کوه، گندم هارا ببینم
مه(۲) بال(۳) تیرخورده(٤) کر(٥) ترسم بمیرم	تیری ببازویم خورد - میترسم بمیرم
لیلابانو ترسم بمیرم	
(۲)	
بشم یارِ ورجه(٦) مرهم بگیرم لیلابانو مرهم بگیرم	بروم نزد یار، مرهم بگیرم
اگر مرهم نبو(۷) ترسم بمیرم لیلابانو ترسم بمیرم	اگر مرهم نباشد، ترسم بمیرم

(۱) رفتم (۲) من (۳) بازو (٤) خورده (٥) دختر (٦) پهلو (۷) نباشد

دمویر نازنین

ترانه ایست زیبا وخوش حالت در مایهٔ شور که در طالش معروف است وپس از خواندن هر مصراع جملهٔ « دمویر نازنین » تکرار میشود . گاهی بتنهائی و گاهی در دنبال ترانهٔ «شوخ وشنگه» سرائیده میشود .



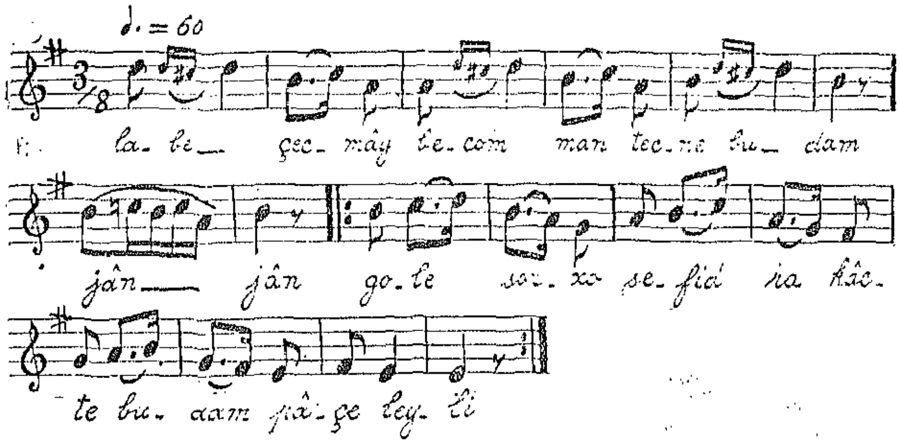
سیاه چهره جوان تو غمزه مکه (۱)
دَمویر(۲) نازنین دوران چمه(۳) یار
اِشتن(٤)عاشقی(٥) مه اِشکار(٦) مکه
دمویر نازنین . . . .

جوان سیاه چهره غمزه مکن
مگذر نازنین یار، دنیا بکام من است
عاشق تو هستم؛ آشکار مکن

(۱) مکن (۲) مگذر (۳) مال من (٤) تو (٥) عاشق هستم (٦) آشکار

پاچ لیلی

این آهنگ سادهٔ زیبا درفومن متداول است و از دوقسمت تشکیل میشود که جزء اول در دشتی است و با کلمهٔ « جان جان » که بطور دسته جمعی خوانده میشود پایان مییابد و جزء دوم که دو مرتبه تکرار میشود و با دو کلمهٔ « پاچ لیلی » تمـام میشود بمایهٔ شور فرود میآید وبرای خواندن یك دو بیتی ، باید تمام آهنگ دوبار خوانده شود .

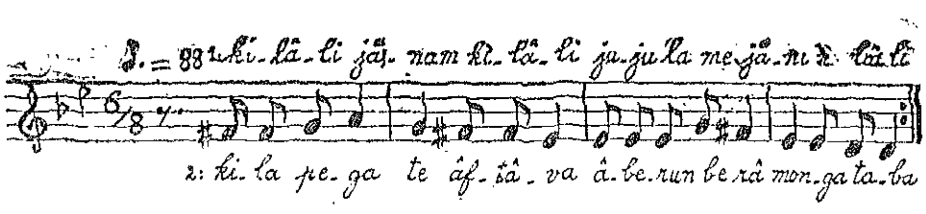


(۱)	
لب چشمای°(۱) پشم°(۲)من تشنه بودم-جان جان	تشنه بودم ، لب چشمه رفتم
گل‌سرخ‌وسفید رَ(۳) کاشته بودم ــ پاچ (٤)لیلی	گل سرخ و سفید را کاشته بودم ،
(۲ مرتبه)	ای لیلی کوتاه قد
(۲)	
گل‌سرخ و سفید رَ کَمْ سیا(٥) به(٦) ـجان جان	درگل‌سرخ‌وسفید، کمترسیاهی‌هست
نمیدانم که یارم بی‌وفا به ـ پاچ لیلی (دومرتبه)	نمیدانم چرا یارم بی‌وفاست

(۱) چشمه (۲) رفتم (۳) را (٤) کوتاه (٥) سیاه (٦) باشد

کیلالی

میگویند از آهنگ های قدیمی طالش است که بنام « قدیم دستان » معروف شده . نغمه‌ایست مختصر که شعر آن بوزن دوبیتی نیست و برای خواندن چهارمصراع باید دومرتبه آهنگ‌را تکرار کرد . این ترانه در مایهٔ چهارگاهست .
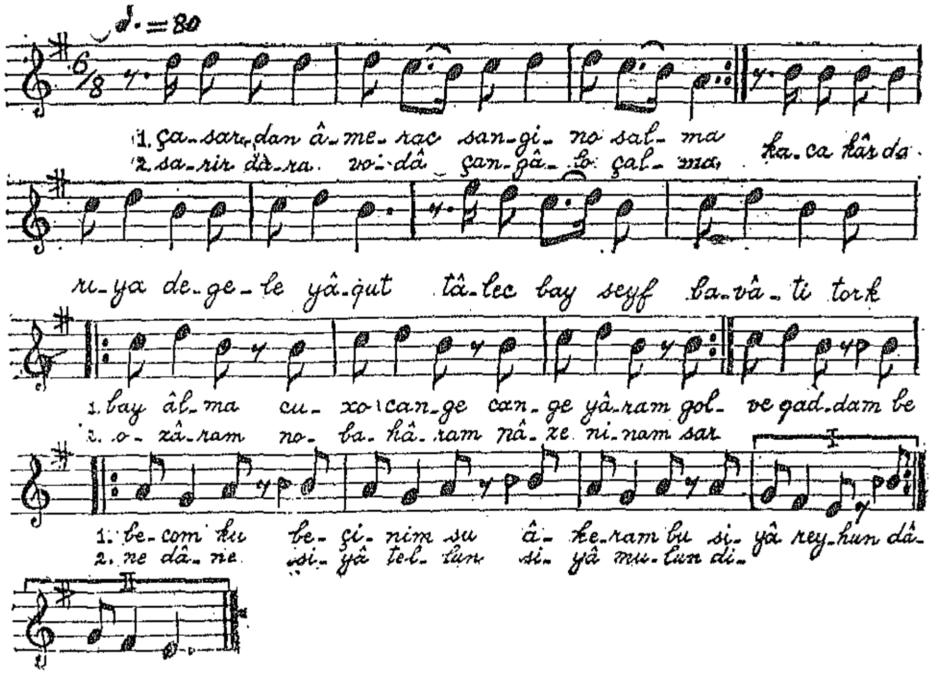


کیلالی (۱) جانم کیلالی	دختر جانم ، دختر
جوجوَله(۲) مِجانی(۳) کیلالی	پستانهایت جان من است ، دختر
کیله(٤) پِگه(٥) تِه(٦) آفتاوَه(۷)	دختر ، بگیر جلوی آفتاب‌را که بصورتت نتابد
آبرون(۸) برا(۹) مُنگه(۱۰) تابه(۱۱)	در شب‌هائی که مهتاب میتابد ، بیرون بیا

---

(۱) دختر (۲) پستانها (۳) جان‌من‌است (٤) دختر (٥) بردار (٦) تو (۷) آفتابت‌را
(۸) بیرون (۹) بیا (۱۰) مهتاب (۱۱) تابیده است .

شوخ و شنگه

این ترانه در رضوان ده طالش نوشته شده است . معروف است که طالشی‌ها سه نوع آهنگ دارند : قدیم دستان ـ طالش دستان و تازه دستان و این ترانه را از جملهٔ طالش دستان میدانند . این نغمه با اشعاری بوزن دو بیتی خوانده میشود و نسبت بآهنگ‌های دیگر محلّی مفصلتر است. درقسمت آخر آن پس ازتمام شدن یك دوبیتی چهار مصراع دیگر سرائیده میشود که با وزن دو بیتی اختلاف دارد . این ترانه را میتوان یکی از زیباترین آهنگ‌های طالشی و مانند سایر نغمات گیلکی در دشتی و شور دانست .



چسر دن (١) آمرش (٢) سنگین و سلمه (٣)	درحالی که میامد سنگین وباوقار
سربر (٤) در (٥) ودا (٦) چنگال (٧) و چلمه (٨)	سزاوار بود در او گردن‌بندطلائی
کشه (٩) کار دریه (١٠) دگله (١١) یاقوت	در بغل او دو عدد یاقوت بود
طالش بی (١٢) سیف (١٣) بواتی (١٤) ترك	کەطالشی‌ها بآن سیب‌میگویند و
بی آلمه (١٥)	ترکها آنرا آلمه مینامند
شوخ و شنگه (١٦) ـ شنگه یارم ـ گلعذارم	یارم شوخ و زیباست
نوبهارم ـ نازنینم ـ سرو قدم	
به (١٧) بشوم (١٨) کو (١٩) ـ بچینیم سو (٢٠) ـ	بیا برویم بکوهستان و ساقهٔ گلپر
آکرم (٢١) بو ـ سیا (٢٢) ریحون	بچینیم و ریحان سیاه را
دانه دانه ـ سیا تلون (٢٣) ـ سیامولون (٢٤) ـ	دانه دانه بو کنیم ـ زلف سیاه
دیکه (٢٥) شانه	خودرا شانه کن
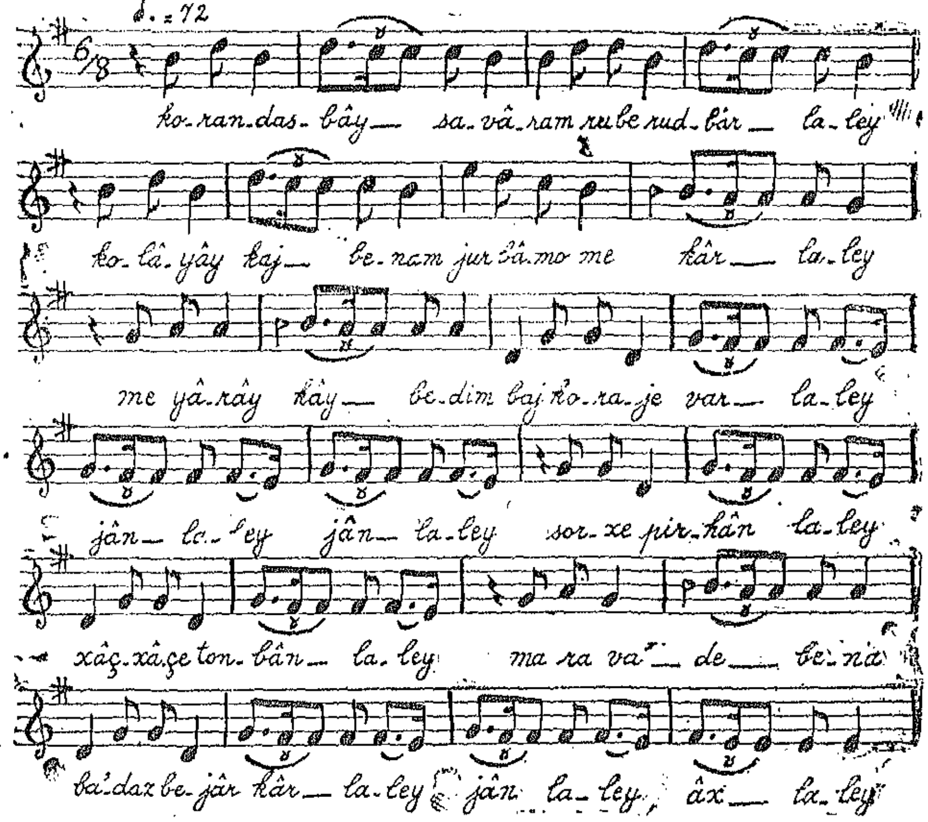
(١) درحالی که (٢) میامد (٣) باوقار (٤) سزاوار (٥) در (٦) تواست (٧) گردن بند
(٨) طلائی (٩) بغل (١٠) دراوست (١١) دوعدد (١٢) بآن (١٣) سیب (١٤) میگویند
(١٥) سیب (١٦) قشنگ (١٧) بیا (١٨) برویم (١٩) کوه (٢٠) ساق گل پر
(٢١) بکنیم (٢٢) سیاه (٢٣) زلف (٢٤) مو (٢٥) بکن ـ بزن

❀❀❀

ادارهٔ موسیقی از آقای موسی معروفی که از موسیقی دانهای معروف وشریف ایران هستند ونت کلیشه‌های این کتاب را با خط زیبای خود نوشته‌اند بدین‌وسیله اظهارمسرت وقدردانی میکند.

للی

این ترانه در اطراف رشت مخصوصاً در حسن کیاده زیاد سرائیده میشود و ظاهراً جدید بنظر میآید و با اشعاری بوزن دو بیتی خوانده میشود. مانند اغلب آهنگ های گیلان از دشتی شروع و بشور خاتمه مییابد.



کرند (۱) اسبای (۲) سوارم رو برود بار - للی (۳)	اسب کرند را سوار و عازم رودبار هستم
کلایای (٤) کج بنم (٥) جور بامو (٦) م (۷) کار - للی	کلاه را کج میگذارم چون کار من جور آمد
م یارای (۸) کای (۹) بدیم (۱۰) بج (۱۱) کرجه (۱۲) ور (۱۳) - للی	یارم را کجا دیدم - پهلوی شالیزار
جان للی - جان للی - سرخ پیرهان (۱٤) - للی	دختر سرخ پیرهن
خاچ (۱٥) خاچ تنبان - للی	که شلوارش خش خش میکند
مرَ (۱٦) وعده بده (۱۷) بعد از بجار (۱۸) کار - للی جان للی - آخ للی - جان	مرا وعده داد ، بعد از اتمام کار شالیزار

(۱) قرمز رنگ (۲) اسب را (۳) نام دختر (٤) کلاه را (٥) میگذارم (٦) آمد (۷) من (۸) یاررا (۹) کجا (۱۰) دیدم (۱۱) برنج (۱۲) نقطه ای در شمالی زار (۱۳) پهلو (۱٤) پیراهن (۱٥) خش خش (۱٦) مرا (۱۷) داد - گذاشت (۱۸) مزرعه

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٣	١١	نغماث	نغمات
٦	١٣	کاهی	گاهی
١٢	آخر	ده یشین	ده‌نشین
١٩	٧	نونه	نمونه
٢٢	٥	گزیرم	گریزم
٢٧	٥	صرفه‌نظر	صرف نظر
٣٨	٥	س و	سرو
٤٥	حاشیه	(٤) بررای	(٤) برای

